



The University of Tehran Press

The Risk of Irreparable Prejudice and Urgency Requirements in Provisional Measures Issued by the Inter-American Commission on Human Rights and the Inter-American Court of Human Rights

Hasan Khosroshahi^{1✉}

1. Ph.D. in International Law, Faculty of Law, College of Farabi, University of Teheran, Iran.
Email: Hasankhosroshahi@hotmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1703-1735</p> <hr/> <p>Received: 2021/12/29</p> <p>Received in revised form: 2022/04/26</p> <p>Accepted: 2022/05/22</p> <p>Published online: 2024/09/22</p> <hr/> <p>Keywords: <i>provisional measures, risk of irreparable prejudice, urgency, Inter-American Commission of Human Rights, Inter-American Court of Human Rights.</i></p>	<p>Provisional measures constitute an integral part of international proceedings including those conducted by judicial and quasi-judicial bodies dealing with human rights complaints. As international legal proceedings have proved to be time-consuming, one could expect the rights asserted by one of the parties to the dispute would incur irreparable prejudice while the final judgment is pending. This would justify issuance of provisional measures. International judicial and quasi-judicial bodies have made provisional measures contingent upon satisfactions of certain requirements. The most important of these requirements are the risk of irreparable prejudice and urgency of the measures requested, because they provide the basis for legitimacy of provisional measures. In the present article, the concepts of the risk of irreparable prejudice and temporal urgency of the risk are analyzed through the jurisprudence of the Inter-American Commission on Human Rights and the Inter-American Court of Human Rights. The study reveals that the said requirements are ascertained by these two human rights bodies through a careful consideration of the facts and circumstances of a given case and the interpretation of the claimed rights in line with the protection of the beneficiaries' rights with emphasis on clear and convincing evidence in terms of plausibility of the alleged harm.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Khosroshahi, Hasan (2024). The Risk of Irreparable Prejudice and Urgency Requirements in Provisional Measures Issued by the Inter-American Commission on Human Rights and the Inter-American Court of Human Rights. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 54 (3), 1703-1735. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.336473.2978</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/JPLSQ.2022.336473.2978</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press.</p>





شرط خطر ورود خسارت جبران ناپذیر و فوریت زمانی در صدور دستور موقت توسط کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر

حسن خسروشاهی[✉]

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران؛ عضو مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضائیه. رایانامه: Hasankhosroshahi@hotmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۷۳۵-۱۷۰۳</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: خطر ورود خسارت جبران ناپذیر، دیوان آمریکایی حقوق بشر، دستور موقت، فوریت زمانی، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر.</p>	<p>دستور موقت بخشی جدانشدنی از رسیدگی‌های بین‌المللی و به‌خصوص، رسیدگی نهادهای قضایی و شبه‌قضایی به قضایای حقوق بشری محسوب می‌شود. رسیدگی به دعاوی حقوقی بین‌المللی می‌تواند زمان‌بر باشد. در نتیجه، این احتمال وجود دارد که حقوق یکی از طرفین در طول رسیدگی به‌طور بازگشت‌ناپذیری تضییع شود و همین موضوع است که صدور دستور موقت را توجیه‌پذیر می‌کند. مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی صدور دستور موقت را به احراز شروطی موقوف کرده‌اند که مهم‌ترین آنها دو شرط احتمال ورود خسارت جبران ناپذیر و فوریت زمانی اقدامات تأمینی درخواست شده است؛ زیرا این دو شرط به‌عنوان مبنای مشروعیت دستور موقت در حقوق بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود. این مقاله مفهوم شرط احتمال خسارت جبران ناپذیر و فوریت زمانی را از رهگذر رویه کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که این دو نهاد حقوق بشری شروط مزبور را با بررسی دقیق در حقایق و اوضاع احوال هر پرونده، با تفسیر حقوق مورد ادعا در جهت حمایت حداکثری از حقوق ذی‌نفعان و با تأکید ویژه بر وجود دلایل قانع‌کننده مبنی بر احتمال تحقق خسارت ادعایی در جریان رسیدگی، احراز می‌کنند.</p>
استناد	خسروشاهی؛ حسن (۱۴۰۳). شرط خطر ورود خسارت جبران ناپذیر و فوریت زمانی در صدور دستور موقت توسط کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۳)، ۱۷۰۳-۱۷۳۵.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.336473.2978
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

پیرو لازم‌الاجرا شدن منشور سازمان کشورهای آمریکایی^۱ در دسامبر ۱۹۵۱، سازمان کشورهای آمریکایی فعالیت خود را به‌طور رسمی آغاز کرد. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، به‌عنوان یک نهاد شبه‌قضایی، بر اساس فصل پانزدهم منشور و به‌منظور ارتقا و نظارت بر حمایت از حقوق بشر در کشورهای عضو تأسیس شد. سپس دولت‌های عضو سازمان اسناد متعددی را به‌منظور ایجاد ساختار منسجم منطقه‌ای برای حمایت از حقوق بشر تصویب کردند.^۲

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۳، موسوم به کنوانسیون «سن خوزه»^۴ مهم‌ترین معاهده حقوق بشری در نظام آمریکایی حقوق بشر است.^۵ دیوان آمریکایی حقوق بشر پیرو لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون و در سال ۱۹۷۸ تأسیس شد. به موجب کنوانسیون، کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر صلاحیت یافتند از رهگذر رسیدگی به دعاوی مطروحه علیه دولت‌های عضو، بر متابعت دولت‌های عضو از تعهدات حقوق بشری نظارت کنند. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر گستره، حق خلوت، رفتار انسانی، آزادی شخصی، محاکمه عادلانه، تشکیل جمعیت، جبران خسارت ناشی از عدم اجرای عدالت، و آزادی مذهبی، عقاید، بیان، سکونت و غیره در شمار این حقوق قرار دارد (Pasqualucci, 2013: 3-4).

فرایند طرح دعاوی حقوق بشری در نظام آمریکایی حقوق بشری به این شکل است که در ابتدا، افرادی که مدعی نقض حقوق بشرند، نزد کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، دعوایی را ثبت می‌کنند. کمیسیون پس از بررسی ادله طرفین توصیه‌هایی را صادر می‌کند. اگر دولت خواننده به توصیه‌های کمیسیون عمل نکند، کمیسیون پرونده را به دیوان آمریکایی حقوق بشر ارجاع می‌دهد، مشروط به اینکه دولت خواننده به عضویت کنوانسیون آمریکایی درآمده و صلاحیت توافقی دیوان را هم پذیرفته باشد. کمیسیون پیش از تصمیم‌گیری درباره ارجاع پرونده عواملی را مدنظر قرار می‌دهد که از جمله آنها می

1. Charter of the Organization of American States, signed on 30 April 1948 and entered into force on 13 December 1951.

۲. اعلامیه ۱۹۴۸ حقوق و وظایف بشر، کنوانسیون ۱۹۸۸ آمریکایی حقوق بشر، پروتکل ۱۹۸۸ به کنوانسیون آمریکایی راجع به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پروتکل ۱۹۹۱ به کنوانسیون آمریکایی برای ممنوعیت مجازات مرگ، کنوانسیون ۱۹۸۵ پیشگیری و مجازات شکنجه، کنوانسیون ۱۹۹۴ ناپدیدسازی اجباری، کنوانسیون ۱۹۹۴ آمریکایی پیشگیری، مجازات و امحای خشونت علیه زنان^۲، کنوانسیون ۱۹۹۹ آمریکایی امحای اشکال تبعیض علیه اشخاص دارای معلولیت از جمله مهم‌ترین این اسناد می‌باشند.

3. American Convention on Human Rights, 22 November 1969 and entered into force on 18 July 1978.

4. San José

۵. همان‌طور که نویسندگان حقوقی بیان کرده‌اند، نظام آمریکایی حقوق بشر بر دو پایه استوار است: منشور سازمان دولت‌های آمریکایی و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (عاکفی قاضیانی و فضائلی، ۱۳۹۸: ۱۶۸).

توان به وضعیت شاکی پرونده، ماهیت و وخامت نقض‌های حقوق بشری، نیاز به رفع ابهام یا توسعه رویه قضایی موجود و آثار تصمیم بر نظام حقوقی دولت‌های عضو اشاره کرد. البته به‌غیر از کمیسیون، دولت‌های عضو کنوانسیون نیز می‌توانند با ادعای نقض تعهدات مندرج در کنوانسیون، علیه سایر اعضا نزد دیوان دعوی طرح کنند (Antkowiak & Gonza, 2017: 10).

کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و دیوان آمریکایی حقوق بشر، همانند سایر نهادهای قضایی و شبه قضایی بین‌المللی و منطقه‌ای، اختیار دارند به‌منظور حفظ حقوق شاکیان مدعی نقض حقوق بشر دستور موقت صادر کنند. اختیار کمیسیون از قواعد رسیدگی این نهاد و اختیار دیوان از ماده ۶۳ (۲) کنوانسیون ناشی می‌شود. البته اصل صلاحیت کمیسیون نسبت به صدور دستورهای موقت و الزام‌آوری این تصمیم‌ها همواره مورد اختلاف بوده است.^۱ شایان ذکر است کمیسیون آمریکایی حقوق بشر دستورهای موقت خود را تحت عنوان «دستور احتیاطی»^۲ و دیوان آمریکایی حقوق بشر دستورهای موقت خود را تحت عنوان «دستور موقت»^۳ صادر می‌کنند.

ویژگی استثنایی دستور موقت، اقتضای آن را دارد که تنها در شرایط واقعاً ضروری^۴ صادر شود. مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی، با توجه به همین مهم، علاوه بر سایر شروط^۵، دو شرط اصلی را برای صدور دستور موقت در رویه خود توسعه داده‌اند که بر اساس آن، پذیرش درخواست دستور موقت به احراز دو شرط «خطر ورود خسارت جبران ناپذیر»^۶ به حقوق موضوع دادرسی و «فوریت»^۷ مشروط شده است.^۸

۱. به‌منظور مطالعه آرای موافق ر.ک: Burbano-Herrera and Haeck, 2019: 92-93. به‌منظور مطالعه آرای مخالف ر.ک: خسروشاهی، ۱۳۹۸: ۲۵۱-۲۵۶.

2. Precautionary Measures

3. Provisional Measures

در ماده ۴۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز این اصطلاح استفاده شده است. برخی از مراجع حقوق بشری دیگر از جمله نهادهای معاهده‌محور سازمان ملل متحد (از جمله کمیته حقوق بشر و کمیته ضد شکنجه)، و دیوان اروپایی حقوق بشر (ماده ۳۹ قواعد رسیدگی) از اصطلاح «Interim Measures» یا همان دستور موقت استفاده می‌کنند.

4. Necessary [by the circumstances of the case].

۵. به‌طور کلی صدور دستور موقت توسط مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی مستلزم احراز صلاحیت و قابلیت پذیرش ظاهری، خطر خسارت جبران ناپذیر، فوریت، ارتباط میان موضوع دستور موقت و موضوع دعوی و احتمال توفیق ماهوی دعواست. در این خصوص ر.ک: محبی و بذار، ۱۳۹۹: ۲۵۸. همچنین خسروشاهی، ۱۳۹۸: ۱۰.

6. Risk of Irreparable Prejudice

7. Risk of Imminent Prejudice

۸. برای مثال دیوان بین‌المللی دادگستری در دستور موقت اخیر خود در خصوص شکایت ارمنستان از آذربایجان ذیل کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی، متذکر شد دیوان اختیار دارد «... در مواردی که ممکن است حقوق

بر اساس این دو شرط، طرفی که متقاضی صدور دستور موقت است، در مرحله اول باید ثابت کند در صورت عدم مداخله مرجع رسیدگی کننده، حقوقی که حمایت از آنها مورد درخواست است به طور جبران ناپذیری نقض خواهد شد. متقاضی دستور موقت در مرحله دوم باید مرجع رسیدگی کننده را قانع کند که نقض حقوق خواهان پیش از آنکه مرجع رسیدگی کننده بتواند اختلاف را به طور قطعی حل و فصل کند، تحقق خواهد یافت (Miles, 2017: 225).

برخی نویسندگان معتقدند این دو شرط آنچنان به یکدیگر وابسته اند که می توان آنها را به عنوان عناصر ضرورت یا وخامت اوضاع و احوال پرونده در نظر گرفت که شرح آن توسط شاکی به مرجع رسیدگی کننده تسلیم می شود (Herrera, 2010: 85). برخی دیگر از نویسندگان، در پرتو نظر دیوان بین المللی دادگستری قضیه عبور از تنگه بلت مینی بر اینکه دستورهای موقت «تنها زمانی توجیه پذیرند که فوریت^۱ وجود داشته باشد؛ به این مفهوم که احتمال برود اقداماتی که ممکن است به حقوق هریک از طرفین خدشه وارد کنند، پیش از صدور تصمیم نهایی به وقوع بپیوندند»^۲، ادعا کرده که این دو شرط را می توان تحت معیار «فوریت»^۳ جمع کرد.^۴ قاضی تولیو تروس^۵، قاضی دیوان بین المللی حقوق دریاها، پیش از این در نظریه مستقل منضم خود به قرار صادره در خصوص قضایای تن باله جنوبی (بلوفین جنوبی)، به دو مفهوم احتمال خطر و قریب الوقوع بودن خطر توجه کرده بود و اولی را بعد کیفی فوریت و دومی را بعد زمانی این مفهوم نامید. البته قاضی تروس در نظریه حقوقی خود تعریف دقیقی از این دو بعد ارائه نکرد.^۶ به هر ترتیب، به نظر می رسد عناوین کلی «ضرورت» و «فوریت» هر دو بازگوکننده اوضاع و احوالی هستند که صدور دستور موقت با وجود آنها توجیه پذیر است. افزون بر این، دو شرط خطر ورود خسارت جبران ناپذیر و فوریت زمانی را می توان به عنوان مؤلفه های احراز ضرورت یا فوریت در نظر گرفت.

پرسش اصلی پژوهش این است که کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و دیوان آمریکایی حقوق بشر

موضوع رسیدگی قضایی به طور جبران ناپذیری متحمل خسارت شود یا در مواردی که بی اعتنایی به این حقوق ممکن است نتایج جبران ناپذیری را در پی داشته باشد»، و «در صورت فوریت، یعنی در شرایطی که خطر ورود خسارت به حقوق مورد ادعا واقعی و قریب الوقوع باشد»، دستور موقت صادر کند» (ICJ: 2021: Paras, 69-70).

1. Urgency

2. ICJ, Case Concerning Passage through the Great Belt (Finland V. Denmark), Op.cit. Para. 23.

3. Urgency

4. Inna Uchkunova, "Provisional Measures before the International Court of Justice", The Law & Practice of International Courts and Tribunals, a Practitioners' Journal, Vol. 12, 2013, p. 41.

5. Tullio Treves

6. ITLOS, Separate Opinion of Judge Treves in the Southern Bluefin Tuna cases, Order of 27 August 1999, paras. 7 and 8.

عناصر ضرورت صدور دستور موقت را به چه شکلی تفسیر کرده‌اند؟ در این زمینه در ابتدا شرط خطر ورود خسارت جبران‌ناپذیر^۱ یا به عبارت دیگر فوریت موضوعی^۲ و پس از آن شرط فوریت زمانی^۳ یا قریب‌الوقوع بودن خطر^۴ بر اساس قواعد رسیدگی و رویه کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و در ادامه بر اساس اسناد مؤسس، قواعد رسیدگی و رویه دیوان آمریکایی حقوق بشر تشریح می‌شود.

۲. تفسیر شرط ضرورت در رویه کمیسیون آمریکایی

کمیسیون آمریکایی حقوق بشر^۵ از همان بدو تأسیس خود، یعنی از سال ۱۹۵۹ میلادی، در وضعیت‌های فوری از دولت‌های عضو سازمان کشورهای آمریکایی درخواست می‌کرد اقداماتی را تحت عنوان اقدامات احتیاطی^۶ اتخاذ کند (Cerna, 2021: 41).^۷ در سال ۱۹۸۰ میلادی، این نهاد مقرراتی را در خصوص نحوه صدور دستور موقت در قواعد رسیدگی داخلی خود پیش‌بینی کرد (González, 2010: 52).

با توسعه یافتن رویه این کمیسیون، جزئیات بیشتری در خصوص شرایط ماهوی صدور دستور موقت به قواعد رسیدگی کمیسیون اضافه شده است. در واقع، در طول دهه اول سده بیست‌ویکم، تقاضاهای متعددی مبنی بر افزایش شفافیت و قطعیت در شرایط صدور دستور موقت از جانب دولت‌های عضو سازمان کشورهای آمریکایی مطرح شد. از این‌رو در سال ۲۰۰۹، کمیسیون یک معیار کلی را برای صدور

1. Risk of Irreparable Prejudice

2. Material Urgency

3. Temporal urgency

4. Immediacy or Imminence

۵. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر بر اساس منشور سازمان دولت‌های آمریکایی و به منظور نظارت بر وضعیت رعایت حقوق بشر در کشورهای عضو تأسیس شد. در سال ۱۹۶۵، وظیفه بررسی دعوی مطروحه توسط اشخاص نیز به کمیسیون محول شد. پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۷۸، مجمع عمومی سازمان دولت‌های آمریکایی اساسنامه جدید کمیسیون را تصویب کرد. اساسنامه جدید صلاحیت کمیسیون برای نظارت بر اجرای این معاهده حقوق بشری را شناسایی کرد. همچنین به موجب اساسنامه جدید، اعضای سازمان صلاحیت کمیسیون در انجام مکاتبات و ارائه نظرها در خصوص نقض احتمالی اعلامیه آمریکایی از سوی دولت‌های عضو را که کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را تصویب نکرده‌اند، پذیرفتند. در حال حاضر، کمیسیون صلاحیتش را از منشور سازمان دولت‌های آمریکایی، اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی و اساسنامه و آیین دادرسی خود می‌گیرد (عاکفی قاضیانی و فضائی، ۱۳۹۸: ۱۷۱).

6. Precautionary Measures

۷. برای مطالعه بیشتر درباره تاریخچه صدور دستور موقت به آدرس الکترونیکی ذیل مراجعه کنید:

<https://www.oas.org/en/IACHR/jsForm/?File=/en/IACHR/decisions/MC/history.asp>

دستور موقت اتخاذ کرد و این معیار را متعاقباً در سال ۲۰۱۳ اصلاح کرد (Gillich, 2014: 176). در ماده ۲۵ (۱) قواعد ۲۰۱۳ رسیدگی کمیسیون^۱ چنین آمده است:

«طبق ماده ۱۰۶ منشور سازمان کشورهای آمریکایی، ماده ۴۱ (ب) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۱۸ (ب) اساسنامه کمیسیون و ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی در خصوص ناپدیدسازی اجباری اشخاص، کمیسیون می‌تواند به ابتکار خود یا به درخواست یک عضو، از دولتی بخواهد که اقدامات احتیاطی را اتخاذ کند. این اقدامات، فارغ از اینکه به یک دعوی مربوط باشند یا خیر، در خصوص اوضاع و احوال فوری و جدی که برای اشخاص یا موضوع یک دعوی در حال رسیدگی نزد ارگان‌های نظام آمریکایی [حقوق بشر] خطر ورود صدمه جبران‌ناپذیری را ایجاد می‌کند، صادر خواهند شد.»

بدین ترتیب کمیسیون ضرورت صدور دستور موقت را بر اساس سه معیار «جدی بودن وضعیت»^۲، احتمال ورود «آسیب جبران‌ناپذیر»^۳ به حقوق اشخاص ذی‌ربط و «فوری بودن وضعیت»^۴ ارزیابی می‌کند. البته معیار «جدی بودن» اوضاع و احوال و معیار احتمال ورود «آسیب جبران‌ناپذیر» دو بعد معیار احتمال ورود خطر یا همان فوریت موضوعی را تشکیل می‌دهد و به همین علت ذیل یک مبحث واحد مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱.۲. ارزیابی احتمال خطر

ماده ۲۵(۲)(الف) قواعد رسیدگی کمیسیون، «جدی بودن وضعیت» را به اثر وخیمی^۵ تعریف کرده که یک فعل یا ترک می‌تواند بر یک حق مورد حمایت، یا بر نتیجه‌غایی رسیدگی در تصمیم نهایی داشته باشد که قرار است توسط ارگان‌های نظام آمریکایی در خصوص یک قضیه صادر شود. در مقابل، بر اساس ماده ۲۵(۲)(ج) قواعد رسیدگی کمیسیون، «آسیب جبران‌ناپذیر»^۶ به آن قسم خسارت به حقوق بشر تعریف شده که با توجه به ماهیت آن حقوق، از طریق غرامت جبران‌شدنی نبوده یا قابل اعاده به وضع سابق نیستند. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ گزارشی را تحت عنوان «گزارش دوم راجع به وضعیت مدافعان حقوق بشر در قاره آمریکا»^۷ منتشر کرد. کمیسیون در بخشی از این گزارش، در خصوص نحوه احراز جدی بودن وضعیت و وجود خطر جبران‌ناپذیر توضیحاتی ارائه می‌کند.

1. Rules of Procedure of the Inter-American Commission on Human Rights, entered into force on 1 August 2013.
2. Serious Situation
3. Irreparable Harm
4. Urgent Situation
5. Grave
6. Irreparable Harm
7. Second Report on the Situation of Human Rights Defenders

بر اساس گزارش مزبور، کمیسیون با لحاظ مجموعه‌ای از عوامل در خصوص جدی و وخیم بودن وضعیت^۱ تصمیم‌گیری می‌کند. این عوامل، گستره وسیعی از موضوعات را در برمی‌گیرد؛ از جمله اطلاعات توصیف‌کنندگان وقایع که علت طرح درخواست هستند (تهدیدهای تلفنی، تهدیدهای کتبی، حملات فیزیکی، اعمال خشونت‌آمیز و اتهام‌زنی‌ها)، هویت اشخاص یا نهادهای تهدیدکننده (اشخاص خصوصی، اشخاص خصوصی که با دولت مربوطه روابطی دارند، مأموران دولتی و غیره)، شکایت‌های به‌عمل آمده نزد مقامات، اقدامات تأمینی که ذی‌نفع بالقوه دستور موقت پیشتر به‌دست آورده است و اطلاعات در خصوص مؤثر بودن این قبیل اقدامات، توصیف سابقه و زمینه وضعیت توصیف شده که برای ارزیابی وخامت اوضاع و احوال ضروری است؛ توالی زمانی و نزدیکی زمانی تهدیدهای عملی شده، هویت اشخاصی که از این تهدیدها متأثر شده‌اند و درجه خسارت وارده به این اشخاص، و هویت گروهی که این اشخاص بدان تعلق دارند (IACHR, 2011: para. 426). علاوه بر این، کمیسیون عوامل مربوط به اوضاع و احوال حاکم و سابقه کشور مربوطه را، از جمله وجود یک مخاصمه مسلحانه یا یک وضعیت اضطراری در آن کشور، کارآمدی نظام قضایی و گستردگی بی‌کیفرمانی در آن کشور، شواهد مبنی وجود تبعیض علیه گروه‌های آسیب‌پذیر، و حدود کنترلی که قوه مجریه بر سایر قوای حکومت اعمال می‌کند، در نظر می‌گیرد (IACHR, 2011: Para.427).

کمیسیون در خصوص وجود خطر خسارت جبران ناپذیر، این توضیح را ارائه می‌دهد که وقایعی که در درخواست برای صدور دستور موقت مطرح شده‌اند، می‌بایست احتمال وقوع خسارت به شکل معقولی نشان بدهند و حقوق و منافع موضوع درخواست صدور دستور موقت نباید از آن دسته حقوق و منافی باشند که جبران آنها امکان‌پذیر است (IACHR, 2011: Para.428).

بیشتر دستورهای موقت صادره توسط کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در زمینه قضایایی صادر شده که موضوع آنها حق حیات یا تمامیت جسمی بوده است. برای مثال می‌توان به قضایای مرتبط با مجازات اعدام، شکنجه، تهدید به مرگ یا شکنجه، اعمال خشونت‌آمیز، رنج بردن از یک بیماری سخت و عدم دسترسی به امکانات پزشکی برای حفظ سلامت، ناپدیدسازی اجباری اشاره کرد که نقطه مشترک همه آنها بدیهی بودن احتمال ورود خسارت جبران ناپذیر به اشخاص حقیقی بوده است. با وجود این، کمیسیون در موارد زیادی به منظور محافظت از سایر حقوق مندرج در اسناد حقوق بشری نیز دستور موقتی صادر کرده است. در ادامه شماری از دستورهای موقت اخیر کمیسیون بررسی می‌شود.

الف) کمیسیون آمریکایی در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۵، با توجه به اهمیت حق رأی در جوامع آمریکایی، به نفع

آقای کاستانیدا گوتمان^۱ دستور موقت صادر کرد. بر اساس اطلاعات پرونده، سازمان انتخابات دولت فدرال مکزیک در ۱۲ مارس ۲۰۰۴ به نامبرده اعلام کرده بود که نمی‌تواند به‌عنوان نامزد در انتخابات ثبت‌نام کند؛ زیرا بر اساس قانون اساسی مکزیک، «هدف احزاب سیاسی این است که دسترسی به اعمال قدرت عمومی را برای شهروندان مهیا سازند و قانون فدرال مؤسسات و آیین‌های انتخاباتی این‌گونه مقرر می‌کند که درخواست ثبت‌نام کاندیداهای مناصب عمومی انتخابی منحصراً توسط احزاب سیاسی امکان‌پذیر است». کمیسیون آمریکایی با این استدلال که این وضعیت ممکن است به خسارت جبران‌ناپذیر به اعمال حقوق سیاسی منجر شود، طی یک دستور موقت از دولت مکزیک درخواست کرد که اجازه بدهد نام گوتمان به‌طور موقت به‌عنوان کاندیدای ریاست جمهوری مکزیک ثبت شود (IACHR, 2005). شایان ذکر است که کمیسیون متعاقباً از دیوان آمریکایی درخواست کرد که به‌منظور حفظ حقوق نامبرده به‌طور مستقل دستور موقت صادر کند. دیوان آمریکایی با نظر کمیسیون موافق نبود و درخواست کمیسیون را رد کرد. با وجود این، دیوان آمریکایی در تصمیم خود به فقدان ظاهری خطر ایراد خسارت استناد نکرد و در عوض به این شکل استدلال کرد که صدور دستور موقت در این مرحله مستلزم آن است که طی یک رسیدگی اتفاقی، در خصوص موضوعاتی که هسته اصلی دعاوا را تشکیل می‌دهند و نتایج حقوقی این موضوعات تصمیم اتخاذ شود (Burgorgue-Larsen and Amaya Úbeda de Torres, 2011: 209).^۲

ب) در قضیه هولیو ارنستو آلوارادو^۴ علیه هندوراس، کمیسیون آمریکایی به‌منظور حفظ آزادی بیان

1. Castañeda Gutman

۱. تصمیم ۲۵ نوامبر ۲۰۰۵ دیوان آمریکایی راجع به درخواست کمیسیون به زبان اسپانیایی در سایت رسمی آن مرجع قضایی در دسترس است. به‌منظور مطالعه این رأی به آدرس ذیل مراجعه کنید:

https://www.corteidh.or.cr/docs/medidas/castaneda_se_01.pdf», last accessed on 2022.03.11.

۳. شایان ذکر است دیوان آمریکایی حقوق بشر در ۶ اوت ۲۰۰۸، رأی نهایی خود را در خصوص شکایت کاستانیدا گوتمان صادر کرد. دیوان در بند ۲۰۵ رأی خود به این نتیجه رسید که صرف محدود شدن امکان ثبت‌نام کاندیدها از طریق احزاب سیاسی حق انتخاب شدن مندرج در ماده ۲۳ کنوانسیون را نقض نمی‌کند. از این‌رو شکایت مطروحه را از این بابت رد کرد. اما دیوان متذکر شد که امکان ثبت‌نام مستقیم کاندیدها ممکن است در تقویت حقوق سیاسی و دموکراسی در نظر گرفته شود. البته، نظر به اینکه در قوانین و مقررات مکزیک یک فرآیند قضایی پیش‌بینی نشده بود که شهروندان بتوانند از طریق آن قانونی بودن ثبت‌نام نمایندگان از طریق احزاب و مطابقت آن با حق انتخاب شدن را که در قانون اساسی مکزیک و کنوانسیون تصریح شده زیر سؤال ببرند، دیوان آمریکایی نقض بند (۱) و (۲) ماده ۲۵ کنوانسیون آمریکایی توسط دولت مکزیک را احراز کرد. ر.ک:

IACourtHR: 2008: \ara.205 .

4. Julio Ernesto Alvarado

دستور موقت صادر کرد. قضیه از این قرار بود که آقای آلوارادو در برنامه تلویزیونی ملت من^۱، در خصوص فساد خانم بلیندا فلورز^۲، استاد یکی از دانشگاه‌های هندوراس، افشاگری کرد. پیرو این افشاگری، در دسامبر ۲۰۱۳، وی به ۱۶ ماه حبس و ممنوعیت اشتغال به روزنامه‌نگاری محکوم شد (IACHR, 2015). در آوریل ۲۰۱۴، آقای آلوارادو جریمه‌ای را جهت لغو محکومیت‌های مذکور پرداخت کرد. با وجود این، پیرو شکایت خانم فلورز به دادگاه تجدیدنظر کیفری، دادگاه حکم محکومیت وی را تأیید کرد. دیوان عالی کشور نیز چندی بعد حکم ممنوعیت اشتغال را تأیید کرد (Pen International, 2014). به این ترتیب، مؤسسه قلم بین‌الملل هندوراس^۳ که آلوارز عضو آن بود، دعوی را علیه دولت هندوراس ثبت کرد و مدعی شد حقوق وی از جمله حق محاکمه عادلانه، حق آزادی بیان، حق برخورداری از حمایت حقوقی^۴ را نقض کرده است. علاوه بر این، وی از کمیسیون درخواست کرد به نفع آلوارز دستور موقت صادر کند. کمیسیون پس از بررسی حقایق پرونده اعلام کرد حق آزادی بیان آقای آلوارز در نتیجه مجازات تحمیل شده توسط محاکم هندوراس در معرض خطر جبران‌ناپذیر قرار گرفته است. از همین روی، کمیسیون، در ۵ نوامبر ۲۰۱۴، از دولت هندوراس درخواست کرد تا زمانی که کمیسیون به این دعوا رسیدگی می‌کند، از اتخاذ هر اقدامی که آقای آلوارز را از اشتغال به حرفه‌اش بازمی‌دارد، خودداری ورزد (IACHR, 2015).

ج) در قضیه‌ای دیگر، آقای گوستاوو فرانسیزیو پترو اورگو^۵، شهردار شهر بوگوتا، پایتخت کلمبیا، بود که در ۹ دسامبر ۲۰۱۳، توسط دفتر بازرس کل، به عزل و ۱۵ سال محرومیت از اشتغال به سمت شهردار محکوم شد (IACHR, 2014: Para. 4)؛ از این رو نامبرده دعوی را به همراه درخواستی مبنی بر صدور دستور موقت به کمیسیون آمریکایی حقوق بشر تسلیم کرد (IACHR, 2014: Para. 1). در درخواست صدور دستور موقت این‌گونه آمده بود که تصمیم دفتر بازرس کل یک تصمیم قضایی نیست و به همین سبب، دیوان قانون اساسی کلمبیا درخواست بازنگری این تصمیم را قابل رسیدگی تلقی نمی‌کند. علاوه بر این، طی کردن رسیدگی در محاکم اداری می‌تواند سال‌ها به طول بینجامد. در نتیجه، هیچ راه‌حلی برای محافظت سریع و مؤثر از حقوق نامبرده در دسترس نیست. پس از چند دور، تبادل لوابح توسط طرفین، کمیسیون در خصوص دستور موقت درخواست شده تصمیم گرفت. کمیسیون در ابتدا به این موضوع اشاره کرد که اعمال مؤثر حقوق سیاسی از یک طرف به‌خودی‌خود یک هدف محسوب می

1. Mi Nacion
2. Belinda Flores
3. Pen International
4. Right to Legal Protection
5. Gustavo Francisco Petro Urrego

شود و از طرف دیگر، وسیله‌ای است که از مجرای آن رعایت سایر حقوق بشری و اینکه شهروندان نه تنها از آن حقوق، بلکه از «فرصت‌ها» بهره می‌برند، در جوامع دموکراتیک تضمین می‌شود (IACHR, 2014: Para. 14). کمیسیون در ادامه به ماده ۲۳(۱) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره کرد که طبق آن، حقوق سیاسی تنها مستند به سن، ملیت، اقامت، زبان، تحصیلات، توانایی مدنی و ذهنی یا حکم محکومیت صادره توسط دادگاه کیفری صالح داخلی محدودشدنی‌اند. تصمیم بازرسی کل، انتفاع آقای اورگو از حقوق سیاسی وی را که منتخب عموم مردم بود تحت تأثیر قرار می‌داد. از این رو با توجه به اینکه هیچ حکم کیفری در خصوص آقای اورگو صادر نشده بود، کمیسیون جدی بودن وضعیت را احراز کرد (IACHR, 2014: Para. 16).

در این قضیه، کمیسیون شرط جبران ناپذیر بودن خسارت را هم از بعد حمایتی^۱ و هم از بعد احتیاطی^۲ دستور موقت محرز دانست. در خصوص بعد اول، کمیسیون این‌گونه استدلال کرد که اجرای تصمیم دفتر بازرسی کل به عزل آقای اورگو منجر می‌شود که ممکن است حقوق سیاسی وی در نتیجه عزل به‌طور جبران ناپذیری نقض شود. علاوه بر این، بنابر نظر کمیسیون عزل وی به‌طور غیرمستقیم حقوق اشخاصی که وی را به‌عنوان شهردار انتخاب کرده بودند تحت تأثیر قرار می‌داد. در خصوص بعد دوم، کمیسیون به این نکته اشاره کرد که عزل احتمالی آقای اورگو، تصمیم نهایی کمیسیون در خصوص این قضیه را به تصمیمی انتزاعی و عقیم تبدیل می‌کند؛ زیرا پس از عزل وی، انتخابات جدید برگزار خواهد شد که در نتیجه آن، اعاده سمت سیاسی وی غیرممکن می‌شود (IACHR, 2014: Para.18). بر همین اساس، کمیسیون از دولت کلمبیا درخواست کرد اجازه بدهد که آقای اورگو تا تاریخ صدور تصمیم نهایی کمیسیون، به وظایف خود به‌عنوان شهردار شهر بوگوئا ادامه بدهد (IACHR, 2014: Para.20).

د) کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در ۳ فوریه ۲۰۱۶، برای حفظ حقوق مردم بومی آیورئو توتوبی اگوسود^۳ و به‌خصوص جوامع منزوی ژونوین-اوراساد^۴ دستور موقت صادر کرد. در درخواست دستور موقت تقدیم‌شده به کمیسیون، این‌گونه آمده بود که چند روز قبل از طرح درخواست برای صدور دستور موقت، اشخاص ثالث به مناطق شناسایی‌شده به نفع این جوامع وارد شده و به از بین بردن جنگل‌ها اقدام کرده‌اند. بر اساس درخواست یادشده، این اعمال می‌تواند در چارچوب بقای مادی و فرهنگی این گروه به‌عنوان مردم بومی، به ورود خسارت به جان و تمامیت جسمانی این افراد منجر شود. پس از تحلیل حقایق و حقوق قابل

1. Protective dimension
2. Precautionary dimension
3. Ayoreo Totobiegosode People
4. Jonoine-Urasade

اعمال، کمیسیون به این نتیجه رسید که اطلاعات ارائه شده در نگاه اول حاکی از آن است که این جوامع منزوی در خطر جدی قرار دارند؛ زیرا حق آنها بر حیات و تمامیت جسمانی شان مورد تهدید قرار گرفته است. از این رو کمیسیون از دولت پاراگوئه درخواست کرد اقدامات لازم را برای حمایت از این جوامع انجام دهد.^۱ علاوه بر این، کمیسیون از آن دولت خواست که از جنگل زدایی در مناطق محل سکونت این جوامع خودداری کند؛ سازوکاری را برای محافظت از ورود اشخاص ثالث به این مناطق به وجود آورد؛ و بر اساس هنجارهای بین‌المللی، پروتکل‌هایی را برای حمایت از این جوامع در برابر دیده شدن یا مواجهه ناخواسته با غیربومیان ایجاد کند تا بقای مادی و فرهنگی این مردمان در معرض خطر قرار نگیرد (IACHR, 2016).

ح) در قضیه گومز موریلو و دیگران^۲ علیه کاستاریکا، کمیسیون آمریکایی به نفع شش زوج که از مشکلات ناباروری رنج می‌بردند، دستور موقت صادر کرد. در درخواست دستور موقت این‌گونه آمده بود که شش زوج نابارور به علت ممنوعیت اعلام شده توسط شعبه قانون اساسی کاستاریکا، نتوانسته‌اند از تکنیک لقاح در محیط مصنوعی بهره ببرند. کمیسیون بر اساس حقایق قضیه، این‌گونه حکم داد که این شش زوج بر اساس ظاهر اسناد و مدارک تسلیم شده در معرض خطر جدی قرار دارند (IACHR, 2016). نظر به اینکه در نتیجه ممنوعیت مذکور این شش زوج از دسترسی به این روش درمانی و آثار آن در طول زمان محروم می‌شدند، کمیسیون خسارات مورد ادعا را جبران ناپذیر تلقی کرد. از این رو کمیسیون با صدور دستور موقت در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۵، از دولت کاستاریکا درخواست کرد این روش درمانی را در اختیار این شش زوج نابارور قرار دهد (IACHR, 2016).

و) در ۱۸ ژوئن ۲۰۱۸، چند مؤسسه حقوق بشری داخلی از کشورهای مکزیک، کلمبیا، اکوادور، گواتمالا، السالوادور و هندوراس درخواستی را مبنی بر صدور دستور موقت به نفع کودکان مهاجری که در نتیجه اجرای سیاست «عدم مدارا»^۳ اعمال شده توسط ایالات متحده آمریکا از خانواده‌های خود جدا شده بودند، نزد کمیسیون آمریکایی حقوق بشر ثبت کردند. دولت آمریکا در سال ۲۰۱۸ سیاستی را مبنی بر طرح اتهامات کیفری علیه مهاجرانی که به طور غیرقانونی وارد خاک آمریکا می‌شوند، اتخاذ کرد. در نتیجه، اگر افراد مهاجر به همراه فرزندان شان از مرز عبور می‌کردند، می‌بایست از فرزندان شان جدا می‌شدند.

۱. همچنین، ر.ک: تصمیم شماره (PM 321/12) که در ۳۰ آوریل ۲۰۱۵، کمیسیون آمریکایی با اتخاذ این تصمیم، از دولت کاستاریکا درخواست کرد در مورد تلاش‌های انجام شده برای تصرف زمین‌های متعلق به یک گروه بومی تحقیق کرده و اقدامات لازم را اتخاذ کند (IHCHR, 2015).

2. Gomez Murillo et al
3. Zero Tolerance Policy

دادستان کل ایالات متحده در این خصوص افزود که اگر مهاجران غیرقانونی نمی‌خواهند از کودکان خود جدا شوند، نباید کودکان خود را همراه با خود به ایالات متحده بیاورند (IACHR, 2018: Paras. 1 and 4). دولت ایالات متحده در پاسخ به درخواست ثبت‌شده برای صدور دستور موقت به کمیسیون اعلام کرد که طبق رویه کمیسیون، این حق حاکمیتی هر دولت است که بتواند مرزهای خود را کنترل و سیاست‌های مهاجرتی خود را بر اساس قوانین داخلی و سازگار با تعهدات بین‌المللی‌اش وضع کند. دولت‌ها می‌توانند بسته به صلاحدید خود، راه را برای مهاجرت باز بگذارند یا مهاجرانی را که قصد ورود دارند بازداشت کرده، برای مهاجران غیرقانونی مجازات‌های کیفری وضع کنند، یا در خصوص تغییر وضعیت مهاجران تصمیم‌گیری کنند (IACHR, 2018: Para.11).

کمیسیون در ۱۶ اوت ۲۰۱۸، در خصوص درخواست برای صدور دستور موقت تصمیم‌گیری و به نفع کودکان موضوع درخواست دستور موقت صادر کرد. بر اساس اطلاعات ارائه‌شده به کمیسیون، از ۲۵۵۱ کودکی که در نتیجه اجرای سیاست عدم مدارا متأثر شده بودند، همچنان ۵۷۲ کودک در اردوگاه‌های ایالت‌های آمریکا ساکن بودند و همچنان به والدین خود نپیوسته بودند. علاوه بر این، والدین ۴۱۰ تن از این کودکان در خارج از ایالات متحده زندگی می‌کردند و طبق گزارش دولت آمریکا ملحق شدن این کودکان به خانواده خود غیرممکن شده بود و به همین سبب این احتمال وجود داشت که سرپرستی آنها به خانواده‌های آمریکایی محول شود. کمیسیون، پس از ذکر این وقایع، در پرتو رویه گذشته خود، به تفصیل، حقوقی را که در نتیجه جدا شدن کودکان از والدینشان در معرض نقض قرار گرفته‌اند بررسی کرد و سرانجام در خصوص اینکه آیا خطر جدی ورود خسارت وجود دارد اظهار کرد:

«از این رو با توجه به اوضاع و احوال توصیف‌شده توسط خواهان‌ها و نظر به اینکه دولت [ایالات متحده آمریکا] نتوانسته است برای رد ادعاهای مطرح‌شده توضیحات کافی ارائه دهد، کمیسیون به این نتیجه می‌رسد که حق حیات و تمامیت جسمانی و به خصوص در مورد کودکان، حق بر هویت، در ظاهر^۱ در معرض خطر قرار گرفته است و در نتیجه، شرط وجود خطر جدی احراز می‌شود. کمیسیون، با این نتیجه‌گیری، کل خطر ایجادشده و احتمال از دست رفتن رابطه میان کودکان و خانواده آنها به عنوان نتیجه محتمل جدایی، فقدان اطلاعات دقیق راجع به وضعیت کودکان و درصد احتمال بازگشت کودکان به خانواده‌شان را ملحوظ داشته است. علاوه بر این، در برخی موارد، اخراج [والدین] به‌طور جداگانه انجام گرفته است و این، اثر روحی و روانی ناشی از عدم قطعیت در بازگشت کودکان به خانواده را دوچندان کرده و نقش مهم خانواده در شکل‌گیری شخصیت و هویت کودکان را خدشه‌دار می‌کند» (IACHR, 2018: Para. 34).

کمیسیون در خصوص جبران‌ناپذیر بودن خسارت افزود:

«با توجه به اینکه وضعیت توصیف‌شده می‌تواند آثار بسیار وخیمی بر تمامیت جسمی به‌جای بگذارد و با توجه به احتمال از دست رفتن روابط خانوادگی که بخشی از حقوق خانواده هستند، و نظر به اینکه این آثار، نظر به وخامت و شدتشان، حتماً پابرجا خواهند ماند و تا دوران بلوغ ادامه خواهند یافت، کمیسیون معتقد است، شرط جبران‌ناپذیر بودن ضرر محقق است» (IACHR, 2018: Para.37).

کمیسیون، در تصمیم خود علاوه بر سایر موارد از دولت آمریکا درخواست کرد به‌منظور حفظ حقوق موضوع دعوا، از متحد شدن کودکان و خانواده آنها اطمینان حاصل کند؛ امکانات ارتباطی را در اختیار کودکان ذی‌نفع دستور موقت و خانواده آنها قرار بدهد؛ به کودکان و خانواده آنها کمک‌های پزشکی و روان‌درمانی ارائه بدهد و مترجمانی را برای درک صحیح وضعیت در اختیارشان قرار بدهد؛ در صورتی که خانواده کودکان مهاجر از کشور اخراج شده‌اند، تلاش‌ها و همکاری‌های لازم برای بازگشت کودکان نزد خانواده‌شان انجام گیرد. کمیسیون، همچنین از دولت ایالات متحده درخواست کرد به سیاست جداسازی کودکان مهاجر از خانواده آنها خاتمه بدهد (IACHR, 2018: Para. 39).

۲.۲. ارزیابی فوریت زمانی

بر اساس ماده ۲۵(۲)(ج) قواعد رسیدگی کمیسیون، «فوری بودن وضعیت»^۱ اشاره به یک خطر یا تهدید «قریب‌الوقوع»^۲ دارد که می‌تواند به‌وقوع بپیوندد و همین امر اتخاذ اقدامات پیشگیرانه یا حمایتی فوری را توجیه می‌کند.

کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در «گزارش دوم راجع به وضعیت مدافعان حقوق بشر در قاره آمریکا» شرط «فوریت»^۳ را زمانی قابل احراز می‌داند که بتوان خطر وقوع یا تهدید به ارتکاب اقدامات مورد شکایت را با توجه به اوضاع و احوال حاکم در قضیه، قریب‌الوقوع تلقی کرد؛ به‌طوری که رفع این خطر یا تهدید بدون پاسخ فوری کمیسیون ممکن نباشد. بر اساس توضیحات کمیسیون، در ارزیابی قریب‌الوقوع بودن خطر، عواملی نظیر وجود چرخه‌ای از تهدیدها یا حملات علیه قربانیان نقض حقوق بشر، پایدار بودن این تهدیدها یا حملات و توالی زمانی مدنظر قرار می‌گیرد؛ زیرا این عوامل، می‌تواند به‌خوبی لزوم اتخاذ اقدام فوری را توجیه‌پذیر گرداند (IACHR, 2011: Para.425).

1. Urgency of the Situation
2. Imminent
3. Urgency

دستورهای موقت کمیسیون تا سال ۲۰۱۳ به طور کامل منتشر نمی‌شد و صرفاً چکیده‌ای از این دستورها در دسترس عموم قرار می‌گرفت که استدلالات کمیسیون در خصوص قریب‌الوقوع بودن خطر، با توجه به موجز بودن چکیده، در آنها از قلم می‌افتاد. این رویه به تازگی تغییر یافته و متن اصلی دستورها موقت کمیسیون به طور رسمی منتشر می‌شود. بنابراین، به منظور فهم بهتر تفسیر کمیسیون از شرط فوریت زمانی یا همان قریب‌الوقوع بودن خطر، برخی از تصمیمات اخیر کمیسیون بررسی می‌شود.

الف) در ۹ دسامبر ۲۰۱۹، کمیسیون به منظور حمایت از حقوق خانوادگی، یک فرزند و مادر وی دستور موقت صادر کرد (IACHR, 2019: Para. 27). مادر ونزوئلایی این نوزاد، جهت واگذاری فرزند خود به یک زوج ترینیدادی به آن کشور مسافرت کرده بود. وی، متعاقباً از تصمیم خود منصرف شده بود، اما با توجه به وضعیت وخیم سلامتی، مجبور شد فرزند خود را به زوج مزبور بسپرد. البته مقامات دولت ترینیداد و توباگو با توجه به اتهامات کیفری (فروش مواد مخدر) وارد به آن زوج، نوزاد را در یک مرکز دولتی نگهداری می‌کردند. اندکی بعد، مادر نوزاد به ترینیداد بازگشت و درخواست کرد طفل را به وی بازگردانند؛ اما دادگاه با توجه به روشن نبودن ابعاد ماهوی پرونده، حتی با سرپرستی موقت خانواده خونی وی، مخالفت کرد. بنابر اظهارات شاکیان، پس از گذشت یک سال، مقامات قضایی ترینیداد و توباگو از درخواست بازبینی تصمیم مزبور طفره می‌رفتند (IACHR, 2019: Paras. 9-12). کمیسیون، پس از بررسی پرونده اعلام کرد این احتمال وجود دارد که حق طفل بر تمامیت جسمانی، هویت و زندگی خانوادگی در نتیجه این افتراق نقض شود و آثار نقض این حقوق می‌تواند در سرتاسر زندگی این طفل ادامه پیدا کند (IACHR, 2019: Para. 25). در بحث از قریب‌الوقوع بودن خطرهای متوجه این طفل، کمیسیون با لحاظ خودداری مقامات قضایی از بازبینی تصمیم یادشده، چنین استدلال کرد که خطرهای جبران‌ناپذیری که طفل با آن مواجه است ممکن است به مرور زمان در هر لحظه محقق شوند (IACHR, 2019: Para. 24). از این رو کمیسیون از مقامات ترینیداد و توباگو درخواست کرد که در اسرع وقت با توجه به معیارهای حقوقی بین‌المللی و خطرهایی که طفل با آن مواجه است راجع به وضعیت طفل تصمیم لازم را اتخاذ کنند (IACHR, 2019: Para. 27).^۱

ب) در ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۰، کمیسیون به نفع مهاجران محبوس در یک بازداشتگاه واقع در واشنگتن، دستور موقت صادر کرد. ماجرا از این قرار بود که گروهی از مؤسسات حقوق بشری با ثبت درخواستی نزد

۱. نظر به تکمیلی بودن صلاحیت مراجع قضایی و شبه‌قضایی حقوق بشری، به نظر می‌رسد کمیسیون به این علت دستوری مبنی بر واگذاری طفل به مادر وی یا حداقل لزوم ملاقات آنها را صادر نکرد که مراحل داخلی رسیدگی در دسترس تجدیدنظر، دیوان عالی و غیره) همچنان توسط خواهان طی نشده بود.

کمیسیون از این نهاد اعلام کردند که ذی‌نفعان این درخواست با توجه به احتمال درگیر شدن با ویروس کووید-۱۹ در خطر از دست دادن جان، تمامیت جسمانی و سلامت قرار دارند (IACHR, 2020: para.1). کمیسیون اصل وجود خطر و جدی بودن آن را با توجه به عواملی نظیر درخواست آزادی ذی‌نفعان از طرف گزارشگر ویژه مهاجران سازمان ملل متحد، اظهارات مقامات داخلی ایالات متحده و عوامل دیگری مثل اعتصاب غذای ذی‌نفعان احراز کرد (IACHR, 2020: Para. 26). در بحث از قریب‌الوقوع بودن خطر مورد ادعا، کمیسیون متذکر شد که به‌طور معقول می‌توان انتظار داشت که ویروس کووید در بازداشتگاه منتشر شود. علاوه بر این، کمیسیون اشاره دکرده که بنابر مدارک تسلیم‌شده دولت ایالات متحده تاکنون اقدامی برای پیشگیری از این خطر انجام نداده است؛ درحالی‌که شواهد حاکی از آن است ذی‌نفعان در معرض آسیب جدی قرار دارند (IACHR, 2020: Para. 35). از همین روی، کمیسیون از دولت ایالات متحده درخواست کرد که تضمین کند شرایط حبس ذی‌نفعان با استانداردهای بین‌المللی قابل اعمال در زمینۀ تهدید کووید-۱۹ مطابق است (IACHR, 2020: Para. 38). نکته شایان توجه در نحوه احراز قریب‌الوقوع بودن خطر متوجه ذی‌نفعان این بود که کمیسیون بر تکمیلی بودن مکانیسم نظارتی خود تأکید و اعلام کرد که به‌هیچ‌وجه به دنبال جایگزین کردن سازوکارهای اداری و داخلی قضایی نیست (IACHR, 2020: Para. 31). با وجود این، کمیسیون در عمل بار اثبات کافی بودن اقدامات انجام‌گرفته توسط دولت ایالات متحده برای پیشگیری از درگیر شدن افراد محبوس در بازداشتگاه را بر عهده آن دولت قرار داد و صرف قابل‌دسترس بودن قضایی داخلی برای ذی‌نفعان را به‌عنوان مانعی برای صدور دستور موقت در نظر نگرفت. به‌عبارت دیگر، فوریت صدور دستور موقت در این قضیه و انفعال دولت ایالات متحده در واکنش به خطر موجود دو عاملی بودند که کمیسیون با اتکال به آنها از ایراد بالقوه صلاحیتی عدم طی شدن طرق قضایی داخلی چشم‌پوشی کرد.

ج) در ۱۶ آوریل ۲۰۲۱، کمیسیون به نفع ۷ زن بومی حامله ساکن در آرژانتین دستور موقت صادر کرد. این ۷ زن، مانند بخش زیادی از سایر بومیان آرژانتین از امکانات اولیه زندگی از جمله مسکن، غذا و آب آشامیدنی محروم بودند و از طریق گیاهان جنگلی تغذیه می‌کردند. نهاد بشردوستانه‌ای که صدور دستور موقت را درخواست کرده بود، اعلام کرده بود که ذی‌نفعان، قدرت تکلم به زبان اسپانیایی ندارند. افزون بر این، در شکایت ادعا شده بود که این ۷ زن از ترس دستگیری توسط مقامات محلی و زندانی شدن در اردوگاه‌های متعلق به دولت، مخفیانه زندگی می‌کنند. کمیسیون به‌طور خاص از دولت آرژانتین درخواست کرد که اقدامات لازم برای حفظ حیات و سلامت ذی‌نفعان را اتخاذ کند و ضمن حفظ آزادی و اختیار آنان، امکانات درمانی لازم را در اختیار آنها قرار دهد (IACHR, 2021: Para. 89). کمیسیون در

خصوصاً قریب‌الوقوع بودن خطر اعلام کرد که حق حیات، تمامیت جسمانی و سلامتی ذی‌نفعان با گذشت زمان بیشتر در معرض خطر قرار گرفته است. بنابر نظر کمیسیون، ذی‌نفعان در نتیجه حاملگی همواره در معرض خطر قرار داشته و به امکانات درمانی مداوم احتیاج داشتند؛ به‌خصوص باتوجه‌به اینکه احتمال داشت زمان وضع حمل آنها به‌زودی فرا برسد (IACHR, 2021: Para.85).

(د) در ۸ دسامبر ۲۰۲۱، کمیسیون آمریکایی به درخواست خانم ماریا دلگادو تالاورا^۱ علیه دولت ونزوئلا دستور موقت صادر کرد. خواهان، مدعی بود که به‌علت اشتغال به حرفه گزارشگری، متحمل آزار، اذیت و تهدید شده است و تحت نظر است. کمیسیون پس از بررسی حقایق پرونده و احراز خطر، به قریب‌الوقوع بودن خطر پرداخت. کمیسیون تأکید داشت بر اساس مدارک تسلیم‌شده خطرهای مذکور تداوم داشته‌اند و احتمال تشدید آنها وجود دارد. بنابراین، این احتمال وجود دارد که تهدیدها به‌زودی در عمل تحقق پیدا کنند و هیچ نشانه‌ای از کاهش عوامل ایجادکننده خطر علیه خواهنده موجود نیست. برای مثال، دولت خوانده شواهدی مبنی بر اتخاذ اقدامات لازم برای حمایت از خواهان ارائه نکرده است (IACHR, 2021: Para.36).

کمیسیون آمریکایی حقوق بشر از جمله نهادهای پیش‌تاز در صدور دستورهای موقت به‌منظور محافظت از حقوق بشر اشخاص خصوصی و جوامع انسانی در قاره آمریکا بوده است. از بررسی رویه کمیسیون روشن می‌شود که این نهاد ضوابط دقیقی را برای احراز وجود اوضاع و احوال ضروری اعمال می‌کند و در عین حال از تمامی ظرفیت صلاحیتی خود برای حمایت حداکثری از اشخاص در معرض نقض حقوق بشر بهره می‌برد. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در مرحله اول جدی و وخیم بودن وضعیت مورد شکایت و جبران‌ناپذیر بودن خسارتی که بیم وقوع آن می‌رود را بررسی کرده و مرحله دوم فوریت زمانی صدور دستور موقت را از رهگذر معیار قریب‌الوقوع بودن خطر احراز می‌کند.

تحلیل کمیسیون در احراز اوضاع و احوال جدی و وخیم بر طیف گسترده‌ای از حقایق مبتنی است که می‌توان آنها ذیل پنج عنوان کلی ۱. ماهیت تهدیدها یا خطر موجود، ۲. اطلاعات مربوط به اشخاص یا نهادهای منشأ تهدید، ۳. نتیجه‌بخش بودن پیگیری‌های انجام‌شده نزد مقامات داخلی جهت رفع تهدید یا خطر، ۴. توالی زمانی تهدیدها، ۵. تهدیدهای عملی‌شده و درجه خسارات واردشده، ۶. و اوضاع و احوال حاکم در کشور خوانده و سوابق نقض حقوق بشر در آن کشور دسته‌بندی کرد. در مقابل، کمیسیون از تصریح به یک معیار واحد برای احراز جبران‌ناپذیر بودن خسارت ادعایی خودداری کرده است تا اختیار عمل را برای تحلیل موردی هر قضیه برای خود حفظ کند. بنابراین، کمیسیون توانسته علاوه‌بر قضایای

مربوط به مجازات اعدام، شکنجه، سلامت و تمامیت جسمانی و ناپدیدسازی اجباری که موضوعات کلاسیک در مبحث دستور موقت به شمار می‌آیند، به منظور محافظت از حقوق دیگری از جمله حقوق سیاسی و انتخاباتی، حق آزادی بیان، حقوق معنوی و فرهنگی مردمان بومی، حق فرزندآوری، و حقوق خانوادگی کودکان و والدین آنها دستور موقت صادر کرده است. کمیسیون در احراز جبران ناپذیر بودن حقوق مورد ادعا به نتایج نهایی اقدامات موضوع شکایت و نه تأثیرات مادی کوتاه‌مدت آنها (برای مثال محرومیت بومیان از محیط فیزیکی زندگی) توجه کرده است.

در بررسی فوریت زمانی دستور موقت، معیار اصلی کمیسیون این بوده که خسارت ادعایی پیش از پایان رسیدگی کمیسیون به شکایت محقق شود. به این منظور، کمیسیون به حقایق نظیر تعدد تهدیدها و موارد نقض حقوق بشر ذی‌نفعان، پایدار بودن تهدیدها و توالی زمانی آنها توجه داشته است. کمیسیون قطعیت زمان ورود خسارت جبران ناپذیر را الزامی تلقی نمی‌کند و حتی احتمال ورود تدریجی خسارت جبران ناپذیر را برای احراز قریب‌الوقوع بودن خطر کافی دانسته است. هرچند طی مراحل قضایی داخلی شرط صلاحیتی صدور دستور موقت محسوب می‌شود، در وضعیت‌هایی که ادله‌ای مبنی بر تلاش دولت خواننده برای پیشگیری از ورود خسارت جبران ناپذیر به ذی‌نفعان یا رسیدگی به درخواست‌های اداری و قضایی آنها موجود نیست، کمیسیون دستور موقت صادر کرده و به عبارت دیگر بار اثبات عدم فوریت زمانی صدور دستور موقت را بر عهده دولت خواننده قرار داده است.

۳. تفسیر شرط ضرورت در رویه دیوان آمریکایی حقوق بشر

بر اساس ماده ۶۲ (ب) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر:

«در وضعیت‌های با وخامت^۱ و فوریت^۲ شدید و زمانی که برای پیشگیری از خسارت جبران ناپذیر ضرورت داشته باشد، دیوان اقداماتی را که در زمینه مسائل تحت بررسی مقتضی تلقی می‌کند، وضع خواهد کرد...».

بر اساس نص این ماده، در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز بر سه عنصر وخامت یا همان جدی بودن اوضاع و احوال و جبران ناپذیر بودن خسارت (فوریت ماهوی) و فوریت زمانی یا همان قریب‌الوقوع بودن خطر تصریح شده است. بند ۱ ماده ۲۷ قواعد رسیدگی دیوان، پیرو ماده مزبور همین سه عنصر را به‌عنوان عوامل توجیه‌کننده صدور دستور موقت معرفی می‌کند. بند ۳ ماده ۲۷ با یک نوآوری منحصر به فرد، به قربانیان نقض

1. Gravity
2. Urgency

حقوق بشر و نمایندگان آنها اجازه می‌دهد که در طول رسیدگی دیوان به دعاوی ثبت‌شده توسط کمیسیون و دولت‌های عضو، از دیوان بخواهند برای حفظ حقوق آنها دستور موقت صادر کند.

۱.۳. ارزیابی احتمال خطر

همان‌طور که گفته شد، در قضایایی که حیات یا تمامیت جسمانی اشخاص موضوع دعوا را تشکیل می‌دهد، تشخیص جدی بودن وضعیت و جبران‌ناپذیر بودن خسارتی که می‌بایست مورد احتراز قرار بگیرد، دشوار نیست. در مقابل، ارزیابی خطر و تشخیص جبران‌ناپذیر بودن خسارتی که دستور موقت به‌منظور اجتناب از آن طرح شده است، در وضعیت‌های مربوط به برخی از حق‌های بشری از قبیل حق بر اموال و شرافت، پیچیده و دشوار می‌شود. در این قبیل وضعیت‌ها، ویژگی‌های خاص هر قضیه می‌بایست به‌منظور تشخیص جبران‌ناپذیر بودن خسارت محتمل ادعایی بررسی شود (Herrera, 2010: 99). به‌طور کلی، دیوان در این قضایا به این موضوع اهمیت می‌دهد که آیا عمل مورد شکایت یا عملی که شخص تهدید به آن شده است، به نحوی به شخص خسارت وارد خواهد کرد که پرداخت غرامت نتواند آن خسارت را جبران کند؟ از همین روی، در مواردی که خسارت به منافع حقوقی یا دارایی‌های متقاضی دستور موقت مربوط بوده است، دیوان خسارت را جبران‌ناپذیر ندانسته است. در واقع رویکرد دیوان به شرط جبران‌ناپذیر بودن خسارت این بوده که اگر خسارتی را که بیم وقوع آن می‌رود بتوان از طرق مادی جبران کرد، صدور دستور موقت فاقد توجیه حقوقی است و فقط در وضعیت‌های استثنایی که حقوق جبران‌ناپذیر دیگری نیز به‌تبع این خسارات در معرض خطر قرار دارند، می‌توان دستور موقت صادر کرد (Le Floch, 2021: 44). رویکرد دیوان به‌منظور روشن کردن رویکرد دیوان به شرط احتمال خطر، در ادامه برخی از تصمیمات دیوان مورد توجه قرار می‌گیرد.

در قضیه بلفور ایستوریز^۱، دیوان آمریکایی حقوق بشر، علی‌رغم درخواست کمیسیون، از صدور دستور موقت برای حفظ حقوق خبرنگارهایی که در صورت بسته شدن ایستگاه‌های رادیویی که برای آنها کار می‌کردند، شغل خود را از دست می‌دادند، یا حفظ حقوق مالکان ایستگاه‌های رادیویی که منافع اقتصادی آنها [در اثر تصمیم دولت ونزوئلا برای بستن این ایستگاه‌های رادیویی] در خطر افتاده بود، امتناع کرد. دیوان، علاوه بر سایر موارد، در خصوص اشخاص ذی‌حقی که درخواست دستور موقت به‌منظور حمایت از آنها طرح شده بود، اظهار کرد:

«در خصوص خبرنگارهایی که در ایستگاه‌های رادیویی کار می‌کنند، به غیر از نتایج حقوقی مرتبط با

1. Belfort Isturiz (Venezuela)

قانون کار که از بسته شدن ایستگاه‌های ناشی می‌شود (که پرداخت غرامت [به خبرنگاران] ممکن است و لذا جبران‌پذیر محسوب می‌شود)، کمیسیون ادله‌ای کافی که در ظاهر نشان بدهد خبرنگارها ممکن است متحمل خسارات غیرقابل جبران شوند، ارائه نکرده است. در واقع، کمیسیون نشان نداده که این افراد (و نه جامعه به طور کلی) به نحوی [در نتیجه عدم صدور دستور موقت] متأثر خواهند شد که رسیدگی ماهوی به قضیه توسط نظام آمریکایی حقوق بشر به حل آن منجر نخواهد شد» (IACourtHR, 2010: 18).

...در خصوص مالکان و سهامداران ایستگاه‌های رادیویی، کمیسیون نتوانسته به طور مقتضی اثبات کند که چگونه این اشخاص با یک وضعیت جبران‌ناپذیر مواجه‌اند. علاوه بر این، کمیسیون، حتی نتوانسته ادله‌ای ارائه کند که به طور ظاهری ثابت کند مالکان یا سهامداران، فارغ از منافع اقتصادی خود (که بر اساس ماده ۲۱ کنوانسیون [حق بر اموال] قابل تحلیل خواهد بود)، به نحوی در تولید محتوای منتشره توسط این ایستگاه‌ها نقش داشته‌اند» (IACourtHR, 2010: para. 19).

در مقابل، در قضیه جامعه مایاگنا (سومو) آواس تینگنی^۲ علیه نیکاراگوئه دیوان آمریکایی تصمیم گرفت به منظور حفظ حق بر اموال جامعه بومی دستور موقت صادر کند. در این قضیه دیوان تأکید کرد که عادات و رسوم جوامع بومی می‌بایست در اعمال مفاد کنوانسیون مورد توجه قرار بگیرد و متذکر شد درک این موضوع لازم است که جوامع بومی، زمین‌های خود را مبنای اساسی حفظ فرهنگ، حیات معنوی، تمامیت و بقای اقتصادی خود تلقی می‌کنند. بنابر نظر دیوان، رابطه میان جوامع بومی و زمین‌هایشان صرفاً مسئله مالکیت و تولید اقتصادی نیست، بلکه عنصری مادی و معنوی است که بر خورداری کامل از آن برای حفظ میراث فرهنگی و انتقال آن به نسل‌های بعدی ضروری است. این بدان معناست که اگر حق جوامع بومی نسبت به اموالشان نقض شود، عواقبی فراتر از خسارت مادی را به بار خواهد آورد؛ چراکه مطابق با جهان‌بینی آنها، زمین بخش بنیادین زندگی آنهاست که خسارت به آن، اصل بقا و زندگی اشتراکی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Herrera, 2010: 99). در قضیه جیگوامیان‌دو و کوربارادو علیه کلمبیا^۳ (۲۰۰۳)، دیوان به همین شکل عمل کرد. دیوان در این قضیه برای محافظت از زمین‌های یک گروه بومی در کلمبیا دستور موقت صادر کرد. بر اساس نظر دیوان، اگر زمین‌های متعلق به آن گروه بومی که از نیاکان اعضای آن گروه به آنها رسیده بود، به اشخاص ثالث داده می‌شد، آن گروه بومی متحمل زیان روحی و مادی جبران‌ناپذیر می‌شد (Pasqualucci, 2013: 260).

1. Prima Facie
2. Mayagna (Sumo) Awas Tingni Community
3. Jiguamiando and the Curbarado v. Colombia

در قضیه لانسپون^۱ (کاستاریکا)، دستور موقت به منظور حمایت از یک روزنامه‌نگار به ثبت رسید که به چهار فقره جرم محکوم شده و بنابر حکم دادگاه قرار بود نام وی در سجل کیفری ثبت شود. در واقع وضعیت این روزنامه‌نگار به شکلی بود که انجام وظایف حرفه‌ای وی تا حد زیادی به اعتبار وی وابسته بود و از قضا، جرائمی که وی محکوم به ارتکاب آنها شده بود، به حرفه وی مربوط می‌شد. دیوان، این مسائل را در احراز وجود خطر ورود خسارت جبران‌ناپذیر در نظر گرفت و با صدور قرار از دولت کاستاریکا خواست تا زمانی که رسیدگی به این قضیه به پایان برسد، از ورود نام این خبرنگار در سجل کیفری مطابق حکم دادگاه خودداری کند. به عبارت دیگر، دیوان معتقد بود ورود نام خبرنگار مزبور به این دفتر به انجام وظایف حرفه‌ای و شهرت و اعتبار وی خسارت جبران‌ناپذیر وارد می‌کند (7: IACourtHR, 2001).

دیوان آمریکایی حقوق بشر در قضیه جامعه صلح سن خوزه^۲ پیس کامیونیتی به منظور حفظ آزادی رفت‌وآمد قرار موقتی صادر کرد. این جامعه از هیچ‌یک از گروه‌های مسلحانه که در مناطق شمالی کلمبیا به منازعه مسلحانه ادامه می‌دهند، حمایت نکرده و از همین روی به اشکال مختلف قربانی نقض حقوق بشر شده است. از جمله اینکه شمار زیادی از اعضای این جامعه کشته شده یا از منطقه محل زندگی خود آواره شده‌اند. در سال ۲۰۱۰، دیوان با صدور قرار موقتی از دولت کلمبیا درخواست کرد که شرایط لازم برای بازگشت اعضا این گروه به محل زندگیشان را تضمین کند (19: IACourtHR, 2000). دستور موقت دیوان را می‌توان در وهله اول به عنوان اقدامی در نظر گرفت که برای محافظت از تمامیت جسمانی اعضای آواره‌شده آن جامعه و در وهله دوم به منظور پیشگیری از ورود صدمات روحی به آن مردمان صادر گشت. در واقع، این مردمان با این خطر مواجه بودند که جامعه خویش را که همواره در آن زندگی کرده بودند و همچنین زمین‌هایی را که به چندین نسل از خانواده آن‌ها تعلق داشت از دست بدهند (261: Pasqualucci, 2013). شایان ذکر است دستور موقت صادره توسط دیوان به نفع اعضای جامعه صلح سن خوزه در سال‌های گذشته بارها تمدید و تکمیل شده است. آخرین (دوازدهمین) دستور موقت دیوان در این پرونده در ۵ فوریه ۲۰۱۸ و به زبان اسپانیایی صادر شده است.^۳

دیوان آمریکایی حقوق بشر همچنین مفهوم خسارت جبران‌ناپذیر را به وجهی توسعه داده که صدمات ذهنی و روحی به کودکان و حقوق خانوادگی را در برگیرد. دیوان در دو قضیه که موضوع آنها حضانت کودکان بوده، با اینکه کودکان در معرض صدمه جسمانی و علی‌الظاهر بدرفتاری روانی قرار نداشتند، دستور

1. La Nacion

2. Peace Community of San Jose

۳. به منظور مطالعه بیشتر ر.ک:

https://www.corteidh.or.cr/medidas_provisionales.cfm?lang=en, last accessed on 2021.12.28.

موقت صادر کرد. در قضیه رجیاردو تولسا^۱، کمیسیون آمریکایی از دیوان درخواست کرد به دولت آرژانتین دستور بدهد به منظور حمایت از سلامت ذهنی دو پسر شانزده‌ساله که والدینشان در جریان جنگ کثیف^۲ آرژانتین، در سال ۱۹۷۶، ناپدید شده بودند، اقدامات لازم را انجام بدهد. این دو پسر در هنگامی به دنیا آمدند که مادر حامله آن‌ها به طور پنهانی، دستگیر و بازداشت شده بود. یک پلیس آرژانتینی، پس از به دنیا آمدن این دو پسر، آن‌ها را از مادرشان گرفت و به عنوان پسران خونی خودش هویتشان را ثبت کرد. سال‌ها بعد، محاکم آرژانتین، علی‌رغم درخواست خانواده واقعی این دو پسر، تصمیم گرفتند که آن‌ها نزد خانواده فعلی خود بمانند. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، پیرو شکایتی که توسط خانواده واقعی این دو پسر طرح شد، در سال ۱۹۹۳ از دیوان آمریکایی حقوق بشر درخواست کرد دستور موقت صادر کند (IACourtHR, 1993: 1). در درخواست تسلیم‌شده توسط کمیسیون به دیوان چنین آمده بود که هرچند مدارکی معتبر در خصوص هویت واقعی این دو پسر موجود است، همچنان فرد رباینده از آن‌ها نگهداری کرده و تلاش می‌کند از طریق مدارک جعلی هویت آن‌ها را مخفی کند. از نظر کمیسیون دوره تردید این دو پسر نسبت به هویت واقعی‌شان وضعیت روحی و روانی آن‌ها را به مخاطره انداخته است؛ از این رو باید هرچه زودتر از نظر روانی تحت درمان قرار گیرند و به خانواده خونی خود ملحق شوند (Scovazzi, Citroni, 2007: 139).

دیوان آمریکایی ادله کمیسیون را پذیرفت و از دولت آرژانتین درخواست کرد به منظور حفظ تمامیت ذهنی دو پسر صغیر، اقداماتی را اتخاذ کند. دولت آرژانتین پیش از آنکه دیوان تشکیل جلسه بدهد، از دستور موقت پیروی و به دیوان اعلام کرد که آن دو پسر به طور موقت در خانه عموی واقعی‌شان زندگی می‌کنند. از این رو پیرو درخواست کمیسیون، دیوان آمریکایی حقوق بشر در ۱۹ ژانویه ۱۹۹۴، به موجب یک قرار دستور موقت صادره را لغو کرده و همچنین این دعوا را از فهرست قضایای در حال رسیدگی خارج کرد (IACourtHR, 1994: 5).

در سال ۲۰۱۱، در قضیه مشابهی که به حضانت یک طفل مربوط می‌شد، دیوان دستور موقت صادر کرد. قضیه به طفلی موسوم به ال. ام ۳ مربوط بود که بلافاصله پس از تولد، توسط مادرش کنار در یک کلیسای رها شده بود. خانواده‌ای مراقبت از این طفل را بر عهده گرفت و پس از گذشت حدود یک سال، تصمیم گرفت وی را به فرزندخواندگی بپذیرد. اما، یک مرکز فرزندخواهی در پاراگوئه توانست هویت خانواده خونی وی را احراز کند و درحالی که حدوداً یک سال و نیم از تولد وی می‌گذشت، یک دعوای حقوقی در مورد حضانت وی آغاز

1. Reggiardo Tolosa
2. Dirty War

۳. به دستور دیوان، هویت طفل و اشخاص درگیر در این قضیه محرمانه باقی ماند.

شد. کمیسیون آمریکایی پیرو طرح دعوا از طرف خانواده واقعی طفل، از دیوان آمریکایی درخواست کرد به منظور محافظت از حقوق طفل دستور موقت صادر کند. کمیسیون هیچ دلیلی مبنی بر بدرفتاری بدنی یا روحی با این طفل ارائه نکرد. تنها مسئله این بود خانواده خونی طفل از ملاقات او محروم بود و پرونده حضانت طفل نزد دادگاه به درازا کشیده بود. دیوان آمریکایی با درخواست دستور موقت موافقت کرد و از دولت پاراگوئه درخواست کرد به منظور حفظ تمامیت شخصی کودک، خانواده و هویتش، به اعضای خانواده واقعی طفل اجازه بدهد که در طول جریان دادرسی با طفل ملاقات داشته باشند (IACourtHR, 2011: Para.1 of the Operative Part). ماده ۱۹ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مقرر می‌کند «هر کودک صغیر حق دارد به اقتضای وضعیتی که دارد از حمایت خانواده، جامعه و دولت برخوردار باشد». دیوان در تفسیر این مقررره علاوه بر سایر موارد به نظریه مشورتی شماره ۱۷(۲۰۰۲) خود استناد کرد. در این نظریه، دیوان با اعمال روش تفسیر ذهنی، به کارهای مقدماتی کنوانسیون حقوق کودک استناد کرد تا بتواند اراده تدوین‌کنندگان کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را کشف کند. در کارهای مقدماتی کنوانسیون حقوق کودک چنین آمده است که جدایی کودک از پدر و مادر امری استثنایی و موقت است (IACourtHR, 2002: Para.75). بر این اساس، دیوان مقررات کنوانسیون آمریکایی راجع به حقوق خانواده از جمله ماده ۱۹ را این‌گونه تفسیر کرد که به‌جز در موارد استثنایی، کودک باید با خانواده خونی خود زندگی کند (IACourtHR, 2011: para.14). به همین ترتیب، دیوان حق به هویت را در پرتو ماده ۸ راجع به حقوق کودک به‌نحوی تفسیر کرد که «به روابط خانوادگی» را در برگیرد (IACourtHR, 2011: Para.15). دیوان گذشت مدت زیادی از زمان طرح دعوای حضانت و دست نیافتن به تصمیم قطعی در مورد سرنوشت کودک را به‌عنوان عاملی لحاظ کرد که می‌تواند به صدمه جبران‌ناپذیر به کودک منجر شود (IACourtHR, 2011: Para.19). به‌عبارت دیگر، نفس به درازا کشیدن فرایند قضایی، عدم قطعیت و اضطراب روانی ایجادشده برای طفل در نتیجه عدم دسترسی به خانواده خونی به‌منزله عواملی در نظر گرفته شدند که فوریت صدور دستور موقت را توجیه می‌کند.

۲.۳. ارزیابی فوریت زمانی

بر اساس رویه دیوان آمریکایی حقوق بشر، احراز فوریت، علی‌الاصول زمانی ممکن است که خسارت در زمان طرح درخواست دستور موقت به‌وقوع پیوسته باشد یا احتمال ورود زیان «قریب‌الوقوع»^۲ باشد. اگر تهدیدها یا

1. IACourtHR, Advisory Opinion Oc-17/2002 of August 28, 2002, Requested By The Inter-American Commission On Human Rights, Juridical Condition and Human Rights of the Child.

2. Imminent

اقداماتی که مبنای درخواست دستور موقت را تشکیل می‌دهند، به‌تازگی به وقوع نپیوسته باشند و به‌عبارت دیگر، زمان وقوع آنها به زمان درخواست دستور موقت نزدیک نباشد، شرط فوریت قابل احراز نخواهد بود. در مواردی که درخواست دستور موقت پس از گذشت مدت طولانی از زمان وقوع تهدیدها مطرح شود، این احتمال وجود دارد که دیوان آمریکایی حقوق بشر عدم فوریت را احراز کند و در نتیجه از صدور دستور موقت امتناع ورزد (Pasqualucci, 2013: 258). برای مثال در قضیه زندان میگل کاسترو، قربانیان حادثه زندان میگل کاسترو^۱ حدوداً یک سال پس از آنکه دیوان آمریکایی نقض حقوق بشر قربانیان آن حادثه را احراز و دولت پرو را به جبران خسارت ملزم کرد، درخواستی را برای صدور دستور موقت به دیوان تقدیم کردند. قربانیان حادثه ادعا کردند از زمان انتشار رأی دیوان در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۶ که طی آن دولت پرو به نقض حقوق بشر و لزوم جبران خسارت محکوم شد، خشونت و تهدید علیه آنها تحت عنوان «تروریست‌های آزادشده» افزایش یافته است. این اشخاص علاوه بر سایر موارد، مدعی شدند که متحمل خشونت بدنی شده و از محل کار اخراج شده‌اند. علاوه بر این، بنابر اظهارات آنها تبلیغات رسانه‌ای و حمله به یادبود «چشم گریان»^۲ فضای خشونت علیه آنها را شدیدتر کرده است. دیوان در این قضیه از صدور قرار موقت امتناع کرد. دیوان معتقد بود در صورتی این حوادث می‌توانستند الزامی برای صدور دستور موقت به‌وجود آورند که اخیراً اتفاق افتاده باشند، درحالی‌که وقایع ادعا شده در خصوص خشونت بدنی و اخراج از کار به سال‌های گذشته برمی‌گردد. علاوه بر این هرچند تبلیغات و حمله به یادبود چشم گریان آثار مخربی بر وضعیت قربانیان داشته است، به وجهی نبوده که وخامت و فوریت شدید برای صدور قرار موقت در نتیجه آن ایجاد شده باشد (IACourtHR, 2008: Paras.5-6 and 7 of the considering part).

دیوان آمریکایی از یک طرف اعلام کرده که اوضاع و احوال قضیه می‌بایست حاکی از آن باشد که

۱. حادثه زندان میگل کاسترو به چندصد نفر زندانی پرویی مربوط می‌شد که به جرم ارتکاب تروریسم و خیانت در بخش الف و ۴.ب زندان یادشده زندانی شده بودند. اتهام بیشتر این اشخاص ثابت شده بود و در انتظار محاکمه به‌سر می‌بردند. برخی نیز تبرئه شده بودند. در طول ماه می ۱۹۹۲، مأموران دولتی به بهانه انتقال زندانیان این دو بخش، آنها را با اسلحه، گازهای خفه‌کننده مورد هدف قرار دادند که در نتیجه آن حداقل ۴۲ نفر جان خود را از دست دادند، ۱۷۵ مجروح شدند و ۳۲۲ نفر در معرض اعمال سبعانه، غیرانسانی و ترذیلی قرار گرفتند. برای مطالعه بیشتر درباره حقایق پرونده ر.ک: IACourtHR, 2006: Paras:1-4 and 197.

2. The Crying Eye

این یادبود به‌منظور زنده نگاه داشتن قربانیان تروریسم ساخته شد. اضافه شدن نام قربانیان زندان میگل کاسترو به فهرست قربانیان حوادث تروریستی که نام آنها در کنار یادبود به چشم می‌خورد، درحالی‌که قربانیان زندان خود متهم به اعمال تروریستی بودند، چالش‌هایی را به‌وجود آورد.

شخص در معرض یک خطر قریب‌الوقوع قرار دارد و از طرف دیگر تصریح کرده که دستورهای موقتی که در پاسخ به چنین اوضاع و احوالی صادر می‌شوند، می‌بایست با فوریت خطر در پیش روی، مثلاً تهدید به قتل، متناسب باشند. برای مثال در قضیه آلوارادو دیوان تصریح کرد:

«رئیس دیوان یادآور می‌شود که فوریت لازم برای صدور دستور موقت به وضعیت‌های خاص و استثنایی‌ای اشاره دارد که ایجاب می‌کند اقدامات و پاسخ‌های فوری در راستای احتراز از خطر اتخاذ شوند. چنین اوضاع و احوالی، به موجب ماهیتشان، فرض یک خطر قریب‌الوقوع را به‌عنوان پیش‌فرض به‌همراه دارند. ماهیت پاسخ مورد نیاز برای علاج تهدید از درجه فوریت آن تهدید قابل استنتاج است. این پاسخ می‌بایست، قبل از هر چیز، بی‌درنگ و اصولاً به‌موقع باشد تا بتواند به چنین وضعیتی رسیدگی کند، زیرا فقدان پاسخ، به‌خودی‌خود می‌تواند یک خطر محسوب شود» (IACourtHR, 2011: 16).

در قضیه چونیما، فوریت قضیه به‌طور قطع محرز بود، زیرا قبل از تقدیم درخواست دستور موقت، پنج نفر کشته شده بودند. علاوه بر این، دو قاضی که برای مظنونان پرونده قرار بازداشت صادر کرده بودند، در اختفا به‌سر می‌بردند. به همین علت، رئیس دیوان در دستوری که در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۱ صادر کرد، پس از شرح وقایع، بی‌درنگ شرایط صدور دستور موقت را احراز کرد و از دولت گواتمالا درخواست کرد به‌منظور محافظت از اشخاصی که نام آنها در درخواست کمیسیون آمریکایی آمده بود، اقدامات لازم را اتخاذ کند. اعضای گروه‌های فعال حقوق بشری، خویشاوندان اشخاصی که تاکنون به قتل رسیده یا ربوده شده بودند و شاهدان ربوده شدن فعالان حقوق بشری از جمله اشخاصی بودند که نام آنها جهت صدور دستور موقت توسط کمیسیون پیشنهاد داده شد و دیوان آمریکایی نیز به‌منظور حمایت از آنها دستور موقت صادر کرد (IACourtHR, 1991: Paras. 1-5 of Considering Part).

در مقابل در قضیه چیپوکو، دیوان آمریکایی از صدور دستور موقت امتناع کرد. قریب‌الوقوع نبودن خطر علت اصلی یا از جمله عللی بود که به این تصمیم منجر شد. قضیه، در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۲ توسط کمیسیون آمریکایی به جریان افتاد. آقای چیپوکو یک فعال حقوق بشری بود که در کشور ایالات متحده زندگی می‌کرد. بنابر ادعای کمیسیون، آقای چیپوکو قصد بازگشت به پرو را داشت، اما نامبرده به‌دنبال انتشار یک گزارش توسط سازمان اطلاعات پرو، به جرم تروریسم متهم شد. بر اساس اطلاعات مندرج در دادخواست کمیسیون، در گزارش یادشده چنین آمده بود که نامبرده و چند نفر دیگر برای سرنگونی دولت پرو اقداماتی را انجام داده بودند. بر همین اساس، کمیسیون مدعی بود که ممکن است نامبرده بر اساس قانون ضدتروریسم پرو تابعیت خود را از دست دهد و به ۲۰ سال زندان محکوم شود، به‌خصوص با توجه به اینکه این قبیل محاکمات به‌صورت محرمانه و اختصاری و توسط قضات ناشناس در غیاب متهم برگزار می‌شوند (IACourtHR,)

5. having seen part, Para. 1992). رئیس دیوان پس از بررسی این درخواست، تأکید کرد که تنها در زمانی می‌تواند دستور موقت صادر کند که کمیسیون ادله روشنی مبنی بر فوریت زمانی و لزوم اتخاذ اقدامات موقتی برای پیشگیری از خطر جبران‌ناپذیر ارائه کند. بر اساس تصمیم دیوان:

«پس از بررسی درخواست کمیسیون و اسناد منضم به آن و همچنین گزارش ارسالی توسط دولت [پرو] به کمیسیون مبنی بر اینکه هنوز اتهامی علیه آقای کارلوس چیپوکو ثبت نشده است، رئیس دیوان به این نتیجه می‌رسد که شرایطی که مقتضی صدور اقدامات فوری با ماهیت موقتی توسط دیوان باشند، موجود نیستند...» (IACourtHR, 1992: whereas part, Para. 6).

به عبارت دیگر، دیوان، با لحاظ اینکه هنوز قرار بازداشتی علیه آقای چیپوکو صادر نشده بود و با توجه به اینکه نامبرده در کشور پرو زندگی نمی‌کرد، عنصر فوریت را احرازنشده تلقی کرد.

شایان ذکر است بر اساس رویه دیوان، احراز فوریت زمانی لزوم صدور دستور موقت، به‌طور معمول اقتضای آن را دارد که طرق مؤثر داخلی طی شده باشد یا حداقل حکم مجازات اعدام صادر شده باشد. این گفته در مورد تعداد زیادی از دستورهای موقت صادره در نظام آمریکایی حقوق بشر صادق است. برای نمونه می‌توان به قضیه راکساکو ریز و دیگران علیه گواتمالا^۱ اشاره کرد. شاکیان چهار فرد محکوم به اعدام بودند که به کمیسیون آمریکایی حقوق بشر مراجعه کرده و مدعی بودند جرمی که آن‌ها به موجب ارتکاب آن به مرگ محکوم شده‌اند، در زمانی که گواتمالا کنوانسیون را تصویب کرده، جرم‌انگاری نشده بوده است. در این قضیه کمیسیون اعلام کرد که قریب‌الوقوع بودن خسارت از قطعیت احکامی که خواهان‌ها را به مجازات اعدام محکوم کرده بود، قابل برداشت است. افزون بر این، کمیسیون متذکر شد بر اساس قوانین ذی‌ربط گواتمالا، اگر هیچ دادرسی‌ای به‌منظور تصمیم‌گیری راجع به مطابقت حکم صادره با قانون اساسی در جریان نباشد، قاضی می‌تواند زمان و تاریخ اجرای مجازات اعدام را تعیین کند. از این رو در این شرایط، طرق حقوقی داخلی طی شده محسوب می‌شوند و دستور موقت تنها راه مناسب برای پیشگیری از اعدام قربانیان ادعایی است (IACourtHR, 2004: 5). دیوان آمریکایی استدلال کمیسیون را پذیرفته و از گواتمالا درخواست کرد اقدامات لازم را برای حفظ جان شاکیان اتخاذ کند. دیوان متعاقباً در سال ۲۰۰۵ رأی ماهوی خود را صادر کرد و ضمن احراز نقض کنوانسیون حقوق بشر، گواتمالا را ملزم کرد نسبت به اصلاح قوانین و مقررات کیفری خود مطابق با کنوانسیون اقدام کند (IACourtHR, 2005: part XIV). سرانجام، دیوان با توجه به لغو حکم اعدام شاکیان و تبدیل آن به مجازات حبس، دستور موقت را لغو کرد (IACourtHR, 2012: Para.5 and the operative part).

البته دیوان آمریکایی حقوق بشر در برخی قضایا که تاریخ دقیق اعدام مشخص نبوده، نیز به صدور دستور موقت مبادرت کرده است. در قضیه جیمز و دیگران علیه ترینیداد و توباگو، کمیسیون آمریکایی در ۲۲ می ۱۹۸۸ با ارسال لایحه‌ای به دیوان درخواست کرد که دیوان به منظور پیشگیری از اعدام جیمز و دیگر اشخاص مذکور در لایحه قرار موقتی صادر کند. کمیسیون به دیوان اعلام کرد اطلاعاتی که در دست دارد این فرض را تقویت می‌کند که نامبردگان در اواخر ماه ژوئن یعنی یک ماه بعد اعدام خواهند شد. دیوان با پذیرش استدلال کمیسیون مبنی بر اینکه آنها در معرض مجازات قریب‌الوقوع مرگ و به تبع آن در معرض خطر خسارت جبران‌ناپذیر قرار داشتند، در ۲۸ اوت همان سال قرار موقتی صادر کرد. دیوان معتقد بود صدور دستور موقت از آن جهت لازم است که اگر دولت خوانده شاکیان را اعدام کند، شکایت ثبت‌شده توسط کمیسیون سالبه به انتفاع موضوع می‌شود (IACourtHR, 1998: Paras. 3, 6 and 8).

بنابراین، دیوان آمریکایی حقوق بشر، همانند کمیسیون، رویکرد تفسیری موسعی را در قبال شرط جدی بودن اوضاع و احوال و جبران‌ناپذیر بودن خطر، اتخاذ کرده است؛ با این تفاوت که از یک طرف، تأکید دیوان بر ماهیت جبران‌ناپذیر بودن خطر و از طرف دیگر توجه دیوان به جزئیات حقوقی موجب شده است که در برخی قضایا، دیوان از صدور دستور موقت درخواست شده توسط کمیسیون یا قربانیان نقض حقوق بشر خودداری ورزد. برای نمونه دیوان از صدور دستور موقت در مواردی که حمایت از حقوق اقتصادی شاکیان انگیزه اصلی برای تسلیم درخواست دستور موقت بوده، خودداری کرده است. با وجود این، دیوان در راستای حمایت از شاکیان در موارد نقض حقوق بشر ناشی از فقدان فرایندهای نظارتی قانونی بر عملکرد نهادهای سیاسی و اداری، احتمال ورود خسارت به زمین، اموال و میراث فرهنگی مردم بومی، پیشگیری از بین رفتن شهرت و اعتبار حرفه‌ای، نقض آزادی عبور و مرور و انتخاب محل زندگی، و پیشگیری از محرومیت والدین خونی فرزندان به سرپرستی گرفته شده، تصمیمات ماندگاری را اتخاذ کرده است که می‌تواند الگوی سایر مراجع قضایی و شبه قضایی بین‌المللی و حقوق بشری قرار گیرد.

بر اساس رویه دیوان آمریکایی، احراز قریب‌الوقوع بودن خسارت احتمالی مشروط به این است که تهدیدها و وقایع حاکی از وجود خطر در یک فاصله زمانی نزدیک نسبت به تاریخ ثبت درخواست دستور موقت به وقوع پیوسته باشند؛ در غیر این صورت، دستور موقت توسط دیوان توجیه‌ناپذیر می‌شود. همچنین در مواردی که حقوق شاکیان تا زمان طرح درخواست برای صدور دستور تهدید نشده است، صدور این دستور مجاز دانسته نمی‌شود. علاوه بر این، دیوان آمریکایی حقوق بشر تصریح داشته که قریب‌الوقوع بودن خطر صرفاً در صورت طی مراحل حقوقی داخلی توسط شاکیان قابل احراز است. البته دیوان متذکر شده است که صدور دستور موقت در مواردی که احتمال دارد خسارت جبران‌ناپذیر پیش از

طی مراحل حقوقی داخلی محقق شود، بلا مانع است. سرانجام، دیوان در تصمیمات خود تصریح کرده است که قریب الوقوع بودن خطر با قطعی بودن تاریخ قطعی وقوع خسارت جبران ناپذیر (برای مثال تاریخ اعدام شاکی) ملازمه ندارد و دیوان می‌تواند به صرف احراز دلایل قانع کننده مبنی بر تحقق خسارت در جریان رسیدگی دستور موقت صادر کند.

۴. نتیجه

در مقاله حاضر، رویکرد کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر به شرط ضرورت و دو بعد آن یعنی احتمال خطر خسارت جبران ناپذیر و قریب الوقوع بودن خطر بررسی شد. همان طور که گذشت، کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر رویکرد منحصر به فردی به شرط احتمال خطر خسارت جبران ناپذیر دارند، زیرا این شرط را در وهله اول از نظر جدی بودن یا همان وخامت اوضاع و احوال و در وهله دوم از نظر جبران ناپذیر بودن خسارت محتمل، احراز کرده‌اند.

هرچند، عملکرد کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر در احراز جدی بودن یا وخامت اوضاع و احوال با عملکرد سایر نهادهای قضایی و شبه قضایی بین المللی در احراز اصل وجود خطر مشابه است، به نظر می‌رسد این دو نهاد ارزیابی خود را به طور نظام مند و دقیق و با اتکالی به مجموعه‌ای از حقایق عینی مستقل اما مرتبط به انجام می‌رسانند. بدون شک روش به کار گرفته شده توسط این دو نهاد شفافیت فرایند تصمیم گیری را برای این نهاد به ارمغان آورده است که می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر مراجع حقوق بشری از جمله کمیته‌های معاهده محور سازمان ملل متحد (کمیته حقوق بشر، کمیته ضد شکنجه و غیره) استفاده شود.

عملکرد کمیسیون و دیوان آمریکایی در احراز جبران ناپذیر بودن خسارات ادعایی نیز تحسین برانگیز بوده است. در واقع، رویکرد غالب این دو مرجع نظارتی حقوق بشر و به خصوص کمیسیون آمریکایی حقوق بشر این بوده که در کنار ابعاد مادی جبران پذیر نقض‌های ادعایی، ابعاد مختلف حقوق بشری حقایق پرونده مدنظر قرار بگیرد؛ با این هدف که قربانیان نقض حقوق بشر به صرف این استدلال که نقض‌های موضوع شکایت از طریق غرامت مادی جبران شدنی هستند، از شمول چتر حمایتی دستورهای موقت خارج نشوند.

رویکرد کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر در احراز فوریت زمانی یا همان قریب الوقوع بودن خطر نیز رویکردی فنی و در عین حال حمایتی است و این هدف را دنبال می‌کند که دستور موقت که فی نفسه اقدامی مداخله جویانه در حاکمیت دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود، به مواردی محدود شود که احتمالی معتدبه برای وقوع نقض‌های ادعایی و عقیم شدن موضوع دعوی در جریان رسیدگی وجود داشته باشد.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. محبی، محسن و بذار، وحید (۱۳۹۹). ارزیابی ایرادهای آمریکا در مورد دستور موقت در قضیه نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، (۱)۵، ۲۵۵-۲۷۴.
۲. عاکفی قاضیانی، محمد و فضائلی، مصطفی (۱۳۹۸). نظام بین‌آمریکایی حقوق بشر: نقاط قوت و ضعف. فصلنامه علمی تخصصی مجله حقوقی دانشگاه اصفهان، (۹)۶، ۱۶۵-۱۹۵.

ب) رساله

۳. خسروشاهی، حسن (۱۳۹۸). نقش اقدامات موقتی مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی در حمایت از حقوق بین‌الملل بشر. رساله دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، با راهنمایی علیرضا ابراهیم‌گل، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Antkowiak Thomas M. & Gonza, A. (2017). *The American Convention on Human Rights Essential Rights*. Oxford University Press, London.
2. Herrera, C. B. (2010). *Provisional Measures in the Case Law of the Inter-American Court of Human Rights*, Intersentia Antwerp - Oxford - Portland.
3. Burgorgue-Larsen, Laurence, and de Torres, Amaya Úbeda (2011). *the Inter-American Court of Human Rights: Case Law and Commentary*. Oxford, Oxford University Press, London.
4. Miles, C. (2017). *Provisional Measures before International Courts and Tribunals*. Cambridge University Press.
5. Pasqualucci, M. Jo, (2013). *the Practice and Procedure of the Inter-American Court of Human Rights*. second edition, Cambridge University Press, New York.
6. Scovazzi, T., & Citroni, G. (2007). *The Struggle against Enforced Disappearance and the 2007 United Nations Convention*. Martinus Nijhof Publishers, Netherland.

B) Articles

7. Burbano-Herrera, Clara, & Haeck, Y. (2019). The Impact of Precautionary Measures on Persons Deprived of Liberty in the Americas. in Par Engstrom (Ed.), *The Inter-American Human Rights System*, Palgrave Macmillan, London, 89-113.
8. Cerna, M C. (2021). Provisional Measures: How International Human Rights Law is Changing International Law (Inspired by Gambia v. Myanmar). *Notre Dame Journal of International & Comparative Law*, 11(1).
9. Gillich, I. (2014). Limits and potentials of precautionary measures as a remedy for

- violations of international human rights – The case of the Inter-American Human Rights System. *University of Western Australia Law Review*, 38, 1, 167-182.
10. González, F. (2010) Urgent Measures In The Inter-American Human Rights System. *International Journal of Human Rights*, 7, 13.
11. Le Floch, G. (2021). Requirements for the Issuance of Provisional Measures. in Maria Palombino and others (Eds.), *Provisional Measures Issued by International Courts and Tribunals*, Springer, 19-54.

C) Case Law

12. ICJ, Application of The International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Armenia V. Azerbaijan), Request for The Indication of Provisional Measures, Order of the Court dated 7 December 2021, at: <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/180/180-20211207-ORD-01-00-EN.pdf>, last accessed on 2022.03.01.
13. Inter-American Commission on Human Rights, Precautionary Measures 2005, at <http://www.cidh.org/medidas/2005.eng.htm>, last accessed on 2019.01.10.
14. Inter-American Commission on Human Rights, PM 196/14 – Julio Ernesto Alvarado, Honduras, Precautionary Measures 2015, <http://www.oas.org/en/iachr/decisions/precautionary.asp>, last accessed on 2019.01.14.
15. Inter-American Commission on Human Rights, PM 321/12 - Teribe and Bribri of Salitre Indigenous People, Costa Rica, Precautionary Measures 2015, <http://www.oas.org/en/iachr/decisions/precautionary.asp>, last accessed on 2019.01.12.
16. Inter-American Commission On Human Rights, Resolution 5/2014, Matter Gustavo Francisco Petro Urrego concerning Colombia, Precautionary Measures N.374-13 dated 18 March 2014.
17. Inter-American Commission on Human Rights, PM 54/13 – Matter of communities in voluntary isolation of the Ayoreo Totobiegosode People, Paraguay, Precautionary Measures 2016, <http://www.oas.org/en/iachr/decisions/precautionary.asp>, last accessed on 2019.01.12.
18. Inter-American Commission on Human Rights, PM 617/15 - Gomez Murillo and others, Costa Rica, Precautionary Measures 2016, <http://www.oas.org/en/iachr/decisions/precautionary.asp>, last accessed on 2019.01.12.
19. Inter-American Commission On Human Rights, Resolution 64/2018, Precautionary Measure No. 731-18, Migrant Children affected by the “Zero Tolerance” Policy regarding the United States of America, 16 August 2018, at <https://www.oas.org/en/iachr/decisions/pdf/2018/64-18MC731-18-US-en.pdf>, last accessed on 2021.12.26.
20. Inter-American Commission on Human Rights, Resolution 59/2019 Precautionary Measure No. 984-19 Child J.M.V regarding Trinidad and Tobago, December 9th, 2019, at [oas.org/en/iachr/decisions/pdf/2019/59-19mc984-19-tt-en.pdf](http://www.oas.org/en/iachr/decisions/pdf/2019/59-19mc984-19-tt-en.pdf), last visited on 2021.12.23.
21. Inter-American Commission on Human Rights Resolution 41/2020 Precautionary measure No. 265-20 Northwest Detention Center regarding the United States of America July 27, 2020, at: <https://www.oas.org/en/iachr/decisions/pdf/2020/41->

-
- 20MC265-20-US.pdf, last accessed on 2021.12.26.
22. Inter-American Commission on Human Rights Resolution 32/2021 Precautionary Measure No. 216-21 7 pregnant women of the Wichí ethnic group regarding Argentina April 16, 2021, at https://www.oas.org/en/iachr/decisions/mc/2021/res_32-21_mc_216-21_ar_en.pdf, last accessed on 2021.12.26.
 23. Inter-American Commission on Human Rights Resolution 101/2021, Precautionary Measure No. 505-21 María Lilly Delgado Talavera regarding Nicaragua December 8, 2021, at: https://www.oas.org/en/iachr/decisions/mc/2021/res_101-21_mc_505-21_ni_en.pdf, last accessed on 2021.12.21.
 24. Inter-American Court of Human Rights, Case of Castañeda Gutman v. México, Judgment of August 6, 2008, at https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec_184_ing.pdf, last accessed on 2021.12.27.
 25. Inter-American Court of Human Rights, Matter of “LA NACIÓN”, Request For Provisional Measures Submitted By the Inter-American Commission on Human Rights Regarding Costa RICA, Order of the Inter-American Court of Human Rights, 7 September 2001, at https://corteidh.or.cr/docs/medidas/lanacion_se_04_ing.pdf, last accessed on 2021.12.27.
 26. Inter-American Court of Human Rights, Matter of Belfort Istúriz et Al, Request For Provisional Measures Submitted By the Inter-American Commission on Human Rights Regarding Venezuela, Order of the Inter-American Court of Human Rights, 15 April 2010, at <https://summa.cejil.org/api/files/2248.pdf>, last accessed on 2021.12.27.
 27. Inter-American Court of Human Rights, Matter of [Peace Community] San José de Apartadó, Request For Provisional Measures Submitted By the Inter-American Commission on Human Rights Regarding Venezuela, Order of the Inter-American Court of Human Rights, 4 November 2000, at https://www.corteidh.or.cr/docs/medidas/apartado_se_02_ing.pdf, last accessed on 2021.12.27.
 28. Inter-American Court of Human Rights, Matter of Reggiardo Tolosa Case, Request For Provisional Measures Submitted By the Inter-American Commission on Human Rights Regarding Venezuela, Order of the Inter-American Court of Human Rights, 19 November 1993, at https://www.corteidh.or.cr/docs/medidas/reggiardotolosa_se_01_ing.pdf, last accessed on 2021.12.28.
 29. Inter-American Court of Human Rights, Matter of Reggiardo Tolosa Case, Request For Provisional Measures Submitted By the Inter-American Commission on Human Rights Regarding Venezuela, Order of the Inter-American Court of Human Rights, 19 January 1994, at https://www.corteidh.or.cr/docs/medidas/tolosa_se_02_ing.doc, last accessed on 2021.12.28.
 30. Inter-American Court of Human Rights, Matter of Reggiardo Tolosa Case, Request For Provisional Measures Submitted By the Inter-American Commission on Human Rights Regarding Venezuela, Order of the Inter-American Court of Human Rights, 19 January 1994, at https://www.corteidh.or.cr/docs/medidas/tolosa_se_02_ing.doc, last accessed on 2021.12.28.
 31. Inter-American of Human Rights, Request for Provisional Measures Submitted by the Representatives of a Group of Victims in the Case of the Miguel Castro-Castro Prison,

- Order of the Court, 29 January 2008, at https://www.corteidh.or.cr/docs/medidas/castro_se_02_ing.pdf, last accessed on 2021.12.28.
32. Inter-American of Human Rights, Case of the Miguel Castro-Castro Prison v. Peru, Judgment of November 25, 2006 (Merits, Reparations and Costs), at https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec_160_ing.pdf, last accessed on 2021.12.28.
33. Interamerican Court of Human Rights, Provisional Measures Regarding the United Mexican States, Matter Alvarado Reyes Et Al., Order of the President, dated 1 April 2011, at <https://summa.cejil.org/api/files/1431.pdf>, last accessed on 2021.12.28.
34. Inter-American Court Of Human Rights, Provisional Measures Requested by the Inter-American Commission on Human Rights in the Matter of Guatemala, Chunimá Case, Order of the President, 15 July 1991, at <https://summa.cejil.org/api/files/3938.pdf>, last accessed on 2021.12.28.
35. Inter-American Court of Human Rights, Provisional Measures Requested by the Inter-American Commission on Human Rights in the Matter of Peru, CHIPOCO CASE, Resolution of the President of the Tribunal, dated 14 December 1992, at https://corteidh.or.cr/docs/medidas/chipoco_se_01_ing.pdf, last accessed on 2021.12.28.
36. Inter-American Court of Human Rights, Provisional Measures Requested by the interamerican commission on Human regarding Guatemala Case of Raxcacó et al., Order of the Inter-American Court dated 30 August 2004, at https://www.corteidh.or.cr/docs/medidas/Raxcaco_se_01_ing.pdf, last accessed on 2021.12.28.
37. Inter-American Court of Human Rights, Case of Raxcacó-Reyes v. Guatemala Judgment of September 15, 2005 (Merits, Reparations and Costs), at https://www.corteidh.or.cr/docs/casos/articulos/seriec_133_ing.pdf, last accessed on 2021.12.18.
38. Inter-American Court of Human Rights, Provisional Measures Requested by the interamerican commission on Human regarding Guatemala Case of Raxcacó et al., Order of the Inter-American Court dated 4 September 2012, https://www.corteidh.or.cr/docs/medidas/Raxcaco_se_08_ing.pdf, last accessed on 2021.12.28.
39. Inter-American Court of Human Rights, Order of the court on Provisional Provisional Measures Adopted by the Inter-American Court of Human Rights in the Matter of the Republic of Trinidad and Tobago, James et. al. case, 27 May 1998, https://www.corteidh.or.cr/docs/medidas/james_se_01_ing.pdf, last accessed on 2021.12.28.

Documents

40. Inter-American Commission on Human Rights, Second Report on the Situation of Human Rights Defenders, OEA/Ser.L/V/II. Doc. 66, December 31, 2011.
41. Inter-American Court of Human Rights, Advisory Opinion Oc-17/2002 of August 28, 2002, Requested By The Inter-American Commission On Human Rights, Juridical Condition and Human Rights of the Child.
42. Pen International, Honduras: End judicial harassment of journalist and PEN member

شرط خطر ورود خسارت جبران ناپذیر.../حسن خسروشاهی فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳ ۱۷۳۵

Julio Ernesto Alvarado, published on 4 December 2014, <https://pen-international.org/news/honduras-end-judicial-harassment-of-journalist-and-pen-member-julio-ernesto-alvarado>, last accessed on 2019.01.14.

D) Websites

43. https://www.corteidh.or.cr/medidas_provisionales.cfm?lang=en, last accessed on 2021.12.28.

44. <https://www.oas.org/en/IACHR/jsForm/?File=/en/IACHR/decisions/MC/history.asp>